

آثار و برکات سیدالشهدا در دنیا و آخرت

نویسنده: علیرضا رجالی تهرانی

1- حضرت سیدالشهدا علیه السلام ، یک انسان کامل و شخصیتی استثنائی است که دارای ابعاد وجودی متعددی بوده و در چهره‌های گوناگونی برای مردم جهان با مشربهای مختلف، جلوه کرده است. از این رو هر یک از آنها طبق مشرب خود، آثار و برکاتی را برای آن وجود شریف و نهضت مقدسش بیان می‌دارند، اما در این کتاب سعی شده، فارغ از هرگونه انحصارنگری، به بررسی آثار و برکات سیدالشهدا علیه السلام پرداخته شود. 2- از آنجایی که سالار شهیدان یک امام است و امامان علیهم السلام به لحاظ مقام امامت، منشأ خیرات، برکات و آثار بسیاری هستند؛ آن حضرت نیز از آثار و برکات بی‌شماری برخوردار است. ولی بنای ما در این مختصر، بیان آثار و برکاتی است که می‌توان با استفاده از شواهد روایی و تاریخی در خصوص ابی عبدالله الحسین علیه السلام متذکر شد. 3- شناسایی و بررسی موقعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوران حسین بن علی علیه السلام می‌تواند در بیان و اهمیت آثار و برکات آن حضرت و حماسه کربلا، نقش مهمی را ایفا کند، که این مسئله نیز سعی شده در کتاب از نظر نگارنده دور نباشد. 4- این کتاب که در نوع خود از اسلوب، تقسیم و تدوین جدید برخوردار است بدان جهت نگارش یافت که عاشقان و دوستداران سیدالشهدا علیه السلام از آثار، برکات و فوایدی که آن امام شهید، در دنیا و آخرت، برای دوستدارانش دارد آگاهی بیشتری حاصل کرده تا در جهت معرفت و ازدیاد عشق و محبت به آن حضرت، تلاش جدی‌تر از خود نشان دهند. 5- اگر چه به نظر می‌رسد که باید طبق نام کتاب، مطالب، در دوربخش: «دنیا و آخرت» تدوین می‌شد؛ ولی به خاطر

پرهیزی از عناوین تکراری و جلوگیری از پراکندگی مطالب، کتاب را به صورت حاضر تدوین کرده و دو مقوله دنیا و آخرت را در هر یک از عناوین کلی داخل نمودیم. 6- نظر به اینکه مقصود نگارند از نگارش این کتاب، معرفی و بیان اجمالی آثار و برکات سیدالشهدا علیه السلام بوده است، از شرح و بسط زیاد مطالب پرهیز نموده و به عناوین و توضیحی کوتاه بسنده شده است. 7- به امید آنکه این مختصر، مورد قبول حضرتش واقع شده، و برای عاشقان و دلباختگان آن عزیز، در جهت شناخت اثرات و برکات وجودی وی مؤثر افتد. تهران- فروردین 75 علیرضا رجالی تهرانی

## چراغ هدایت و کشتی نجات

من آن نورم که در شبهای تاریک چراغ رهنمای کاروانمدر این دریا منم آن ناخدایی که کشتی را به ساحل می‌رسانم روایت شده که امام حسین علیه السلام فرمود: «خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شدم در حالیکه ابی بن کعب هم آنجا بود. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مرحبا به تو، ای ابا عبدالله، ای زینت آسمانها و زمین. ابی گفت: چگونه او زینت آسمانها و زمین است در صورتی که کسی غیر از تو چنین نیست؟ حضرت فرمود: ای ابی، قسم به کسی که مرا به حق به نبوت مبعوث کرد، حسین بن علی در آسمان بزرگتر از روی زمین است، و همانا بر طرف راست عرش الهی نوشته شده است که او چراغ هدایت و کشتی نجات است». <sup>[1]</sup> یکی از برکات فردی حضرت سیدالشهدا علیه السلام این است که او «چراغ هدایت» و «کشتی نجات» است. اگر چه همه پیامبران و امامان علیهم السلام چراغها و انوار هدایت و کشتیهای نجات و رهایی اند، چنانکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «انما مثل اهل بیتی فیکم کمثل سفینة نوح من دخلها نجا، و من تخلف عنها هلك». <sup>[2]</sup> همانا خاندان و اهل بیت من در میان شما مانند کشتی نوح است که هر کس داخل آن شود نجات پیدا کرده و هرکس که از آن تخلف کند هلاک خواهد شد. اما کشتی نجات حسین علیه السلام حرکتش بر امواج توفنده و گسترده دریا، سریعتر و لنگر انداختن و پهلو گرفتن آن بر ساحلهای نجات آسانتر بوده و دایره بهره‌وری و استفاده از نور مشعل وجود حسین علیه السلام وسیعتر است. در آن زمانی که امواج بلند و سهمگین فساد و گناه بر پیکره نیمه‌جان جامعه اسلامی، و جان و دل مسلمانان، تازیانه مرگ می‌زد و گرداب حوادث و توطئه‌ها و

پلیدیها، خفتگان در بستر غفلت را بی‌رحمانه به قعر تاریکی و تباهی می‌کشید، این حسین بود که با قیام و نهضت الهی خود و شهادت و اسارت اهل بیت خویش، گرفتاران در این اوضاع خطرناک را از دریای پر تلاطم ساخته شده به دست فتنه‌گر «بنی‌امیه» نجات بخشید و با کشتی‌رهایی خود، این خفتگان و غافلان و گرفتاران را به ساحل نجات رهنمون نمود. آری، حسین علیه‌السلام «مصباح الهدی» است تا در این ظلمت‌کده خاک، دلیل و راهنمای راه باشد؛ و «سفینة النجاة» است تا در اقیانوس متلاطم فتنه‌ها و ضلالتها، غرق‌شدگان را که کشتی شکسته بودند فریاد رس باشد. ای که مصباح‌هدایت هستی و فلک‌نجات از چه با این اشکها ایجاد طوفان می‌کنی؟ زنده در قبر دل ما بدن کشته تو است جان مایی و ترا قبر حقیقت دل ماست

## محبت مکنون

از جمله احادیث نبوی که در واقع بیانگر تأثیر پذیری معنوی مردم از وجود مبارک سیدالشهدا علیه السلام می باشد، حدیثی است که فرمود: «ان للحسین محبة مكنونة في قلوب المؤمنين».<sup>[3]</sup> در کانون دل‌های مؤمنین، محبتی نهفته و ویژه نسبت به حسین وجود دارد. کیست که نام حسین علیه السلام را بشنود و فردی از افراد بشر یا تنی از اولاد انسان باشد و حالت انقلاب و انکسار و دل‌باختگی برای او فراهم نشود؟ محبت حسین علیه السلام دل‌ها را به التهاب در آورده و جگرها را گداخته و مذاب می‌سازد، و شورش دل و آتش درون را به ریزش قطرات اشک از دیدگان، آشکارا و عیان می‌کند. در کجای دنیا دیده می‌شود که شیعه و دوستدار حسین در آنجا باشد و اقامه عزای حسینی نکند. کیست که پس از دادن عزیزترین محبوب و مطلوب خود به اندک فاصله و مختصر وقت و گذشتن کمتر زمانی، آن مصیبت را فراموش نکند؛ جز مصیبت حسین علیه السلام که با این همه طول زمان و گذشتن قرن‌ها، روز به روز این مصیبت تازه‌تر و شور و شراره‌اش بیشتر و بلندتر می‌گردد. آیا نه این، جذبه عشق و علاقه و تأثیر محبت و فرط دل‌بستگی و دل‌باختگی علاقه‌مندان نسبت به آن امام محبوب است؟ و ای بسا، نامحرمان در برابر عظمت و جلالت حسینی تسلیم شده و به تواضع و تکریم در مقابل نام مبارک حسین و جلال و مقام او قد خویش به تعظیم و تسلیم خم نموده و به دین و آیین حسینی گراییده و از اکسیر محبت او مس خود را طلای ناب و زر خالص می‌گردانند. براستی، سنت الهی چنین بوده که محبت امامی که مسیر تاریخ را عوض کرده و دین الهی را نجات می‌بخشد به

گونه‌ای خاص در دل و جان مسلمین و مؤمنین قرار گیرد، حتی کسانی که مقابل حسین علیه السلام قرار گرفتند به قول فرزدق: «دلهایشان با او بود، اگر چه بر اثر دنیا پرستی شمشیرهایشان بر روی او کشیده شد». چه رسد به مؤمنینی که عشق و محبت او با گل آنان سرشته شده است. حتی محبت حسین علیه السلام در دل و جان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز ریشه دوانیده بود، به طوری که می فرمود: «هر گاه که به فرزندم حسین می‌نگرم، گرسنگی و اندوه از وجودم رخت بر می‌بندد». [4] و نیز می فرمود: «بار خدایا، من حسین را دوست دارم و آنان که دوستدار او هستند نیز دوست دارم». [5]. راه حسین علیه السلام راه دل است، و هرگاه عاشقی به دل توجه کند او را پیدا می‌کند. لذا در برخی روایات وارد است که: «قبر او در دل‌های دوستداران اوست». سلام از دور و از نزدیک بهر او بود یکسان بلی قبر شریف او دل اهل یقین باشد آری، دل مؤمن جایگاه تابش نور پر فروغ و احیاگر حسین است. و هرگاه عشق و محبت فراتر از آفاق ظاهری و مادی باشد، رنگ ابدیت به خود می‌گیرد، زیرا پیوند این محبت در حریم حب خدا بوده است و بقای آن به بقای فیض ذات سرمدی، جاودانه است، که گفته‌اند:

این محبت راز محبت‌ها جداست      حب محبوب خدا حب خداست  
شاهی که نه سپهر از او برقرار شد      ماهی که مهر و ماه از او کسب نور کرد

## سیدالشهدا، پدر امامان نه گانه

یکی دیگر از برکات فردی سیدالشهدا علیه السلام که از ارزش معنوی بسیاری برخوردار است، این است که نه امام معصوم علیه السلام بعد از او از فرزندان گرامی آن حضرت می‌باشند، و نسل امامان به برکت وجود او ادامه یافت. چنانکه از امام باقر و امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «خداوند عوض قتل امام حسین علیه السلام چهار ویژگی به آن حضرت عطا فرموده است: اول - امامت را در ذریه او قرار داده است، دوم - شفا را در تربت آن جناب قرار داده، سوم - کنار و زیر قبه او دعا مستجاب می‌باشد، چهارم - ایام زیارت کنندگان او از عمرشان حساب نمی‌شود». [6]. از طرفی در روایات بر این امر تصریح شده که علی بن الحسین علیه السلام بعد از پدر به امامت رسیده است. چنانکه عبدالله بن عتبه روایت کرده: خدمت امام حسین علیه السلام بودم که پسر کوچکترش «علی» وارد شد. (یعنی حضرت سجاد علیه السلام که از علی اکبر کوچکتر بوده است. و این واقعه قبل از تولد علی اصغر می‌باشد). تا آنجا که می‌گوید: عرض کردم: اگر آن امری که از آن به خدا پناه می‌برم اتفاق افتاد، به چه کسی رجوع کنیم؟ (یعنی امام بعد از شما کیست؟) فرمود: به این پسر من: علی، او امام و پدر امامان است...» [7]. روایت در این زمینه زیادتر از آن است که در این مختصر بدانها پرداخته شود، ضمن اینکه ادامه امامت از ذریه امام حسین علیه السلام به خاطر مشهور بودن آن، نیازی به استدلال روایی بیشتر از آنچه ذکر شده، ندارد. باری، استمرار خط مستقیم و هدایتگر امامت به برکت وجود مقدس سیدالشهدا علیه السلام است، و این از بزرگترین برکتهای فردی و معنوی آن حضرت است



او شفیع است این جهان و آن جهان این جهان در دین و آنجا در جنان

## شفاعت

یکی دیگر از آثار و برکات فردی سیدالشهدا علیه السلام که در نزد شیعیان اهمیت و جایگاهی خاص دارد شفاعت در آخرت است. شفاعت از ماده «شفع» به معنی ضمیمه کردن چیزی به همانند اوست، و از اینجا روشن می شود که باید نوعی شباهت و همانندی در میان آن دو بوده باشد، هر چند تفاوت‌هایی نیز در میان آنها دیده شود. به همین دلیل، شفاعت به مفهوم قرآنی آن بدین معنی است که: انسان گنهکار به خاطر پاره‌ای از جنبه‌های مثبت (مانند ایمان یا انجام بعضی از اعمال شایسته) شباهتی با اولیای الهی پیدا کند و آنها با عنایت و کمک‌های خود، او را به سوی کمال سوق دهند و از پیشگاه خدا تقاضای عفو کنند. و به تعبیر دیگر حقیقت شفاعت، قرار گرفتن موجودی قویتر و برتر، در کنار موجودی ضعیف تر، و یاری رساندن به او برای پیمودن مراتب کمال است. شفاعت در جوامع انسانی غالباً همان پارتی بازی و استفاده از رابطه است. اما شفاعت مورد نظر در قرآن کریم و روایات اسلامی، متوجه شایستگی‌های افراد است نه روابط شخصی بین شفاعت کننده و شفاعت شونده. شفاعت اقسامی دارد که برخی از آنها نادرست و ظالمانه است و در دستگاه الهی وجود ندارد، ولی برخی صحیح و عادلانه است و وجود دارد. شفاعت غلط بر هم زنده قانون و ضد آن است، ولی شفاعت صحیح حافظ و تأیید کننده قانون است. شفاعت غلط آن است که کسی بخواهد از راه پارتی بازی جلوی اجرای قانون را بگیرد.

برحسب چنین تصوراتی از شفاعت، مجرم بر خلاف خواست قانونگذار و بر خلاف هدف قوانین اقدام می‌کند و از راه توسل به پارتی بر اراده قانونگذار و هدف قانون چیره می‌گردد. اینگونه شفاعت، در دنیا ظلم است و در آخرت غیر ممکن. ایرادهایی که بر شفاعت می‌شود بر همین قسم از شفاعت وارد است، و این همان است که قرآن کریم آن را نفی فرموده است. شفاعت صحیح، نوعی دیگر از شفاعت است که در آن نه استثنا و تبعیض وجود دارد و نه نقض قوانین و نه مستلزم غلبه بر اراده قانونگذار است. قرآن این نوع شفاعت را صریحاً تأکید کرده است که این نیز بر دو قسم است: 1- شفاعت «رهبری» یا شفاعت «عمل». 2- شفاعت «مغفرت» یا شفاعت «فضل». نوع اول شامل نجات از عذاب و نیل به حسنات و حتی بالا رفتن درجات می‌باشد، و نوع دوم شفاعتی است که تأثیر آن در از بین بردن عذاب و در مغفرت گناهان است، و حداکثر ممکن است سبب وصول به حسنات و ثوابها هم بشود ولی بالا برنده درجه شخص نخواهد بود. با توجه به آنچه به طور اجمال در خصوص شفاعت گفته شد، لازم به ذکر است که یکی از شفاعت کنندگان از اهل بیت، حضرت سیدالشهدا علیه السلام است، ولی آن حضرت شفیع کسانی است که از مکتب او هدایت یافته‌اند، نه شفیع کسانی که مکتبش را وسیله گمراهی ساخته‌اند. قرآن و مکتب حسینی ریسمانهایی هستند که قدرت دارند بشر را از چاه نگون بختی به اوج سعادت بالا برند: یکی «حبل من الله» و دومی «حبل من الناس» است؛ ولی اگر کسی از این دو حبل الهی سوء استفاده نمود، جرم از ریسمان نیست، علت این است که او در سر سودای بالا رفتن نداشته است، و البته چنین مردمی به وسیله قرآن و مکتب حسینی به قعر دوزخ برده می‌شوند.<sup>[8]</sup> شفاعت به معنی وسیع کلمه، در هر سه عالم (دنیا، برزخ و آخرت) صورت می‌پذیرد، هر چند



## دوستاناران حسین و دوستان دوستداران او بهشتی‌اند

یکی دیگر از آثار و برکات فردی سید الشهداء علیه السلام که در سرای دیگر ظهور کرده و جلوه‌نمایی می‌کند، بهشتی شدن دوستداران و حتی دوستان و دوستداران آن حضرت است. چنانکه حدیفة بن یمان گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دیدم که دست حسین بن علی علیه السلام را در دست خود گرفته بود و می‌فرمود: «یا ایها الناس، هذا الحسین بن علی فاعرفوه، فوالذی بیده، انه لفی الجنة، و محبه فی الجنة، و محبی محبیه فی الجنة»<sup>[12]</sup>. ای مردم، این حسین بن علی است، او را بشناسید؛ سوگند به آن خدایی که جانم به دست اوست، براستی او در بهشت است، و دوستدار او نیز در بهشت است، و دوستدار دوستدار او نیز در بهشت می‌باشد. و از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست حسن و حسین علیه السلام را گرفت و فرمود: «هر کس این دو پسر و پدر و مادر آنان را دوست داشته باشد، روز قیامت در درجه من با من خواهد بود»<sup>[13]</sup>. و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «آگاه باشید، همانا حسین علیه السلام دری از درهای بهشت است، هر کس با او دشمنی کند خدا بوی بهشت را بر او حرام می‌کند»<sup>[14]</sup>. و معلوم است که این مقام عظیم تنها با محبت ظاهری حاصل نمی‌شود، بلکه مقصود، محبت خاصی است که مخصوص کسانی می‌باشد که در درجات بالای ایمان هستند. اگر چه دوستی و محبت امامان معصوم و امام حسین علیه السلام ثمر بخش است ولی احراز مقام والای معیت بارسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در بهشت برین، محبتی فراتر از ظاهر می‌طلبید.

## ایجاد اخلاق جدید در جامعه مسلمین

اگر دیدی که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشینی گناه است یکی از آثار و برکات سیدالشهدا علیه السلام در بعد اخلاقی - تربیتی این است که قیام او باعث گردید در جامعه مسلمانان نوعی اخلاق جدید بلند نظرانه پدید آید و نظر انسان را به زندگی خود و دیگران، دگرگون سازد تا بتواند بدینوسیله جامعه را اصلاح نماید. و به عبارت دیگر، با خودسازی به دیگر سازی نیز پردازد. آری، در آن زمانی که بنیاد روانی و اخلاقی مردم در هم ریخته و ویران شده بود و این ویرانی شامل رهبران مسلمین و بزرگان آنان نیز شده بود و با اخلاق و شیوه‌ای وحشتناک زندگی می‌کردند، امام حسین علیه السلام یگانه درمان آن حالت بیمار گونه را که در مجتمع مسلمانان مورد قبول واقع شده بود، در قیام آشکار و فریاد در آن سکوت مرگبار دید. لذا آن حضرت با خون پاک خود و فرزندان و یارانش و با همه اعتبارات احساسی و تاریخی، حتی شمشیر و عمامه جلدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، وارد مبارزه گردید تا همه روزه‌ها و راههای توجیه را فرو بندد. سیدالشهدا علیه السلام نیک دریافته بود که وجدان شکست خورده و اخلاق پست امت را نمی‌توان به وسیله رویارویی ساده دگرگون ساخت، از این رو با قیام و شهادت خویش دیری نپایید که اخلاق هزیمت و فرار را به نیرویی عظیم درآورد و اخلاق جدیدی به جای آن جایگزین نمود. برآستی شهادت حسین بن علی علیه السلام تأثیر ژرف و شگرفی بر شیعیان ساکن و ساکت بجای گذاشت، و سرنوشت غم انگیز نواده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عواطف اخلاقی و مذهبی مردم را بهم ریخت. در اثر قیام و شهادت امام حسین علیه السلام موجی در روح مسلمین به وجود

آمد، حمیت و عزت، شجاعت و صلابت به وجود آمد، و احساسات بردگی و اسارتی که از اواخر حکومت عثمان و تمام دوره معاویه بر روح جامعه اسلامی حکمفرما بود، تضعیف شد و ترس آنها را فرو ریخت، خلاصه، ابا عبدالله علیه السلام به اجتماع اسلامی شخصیت داد. کربلا و قیام سیدالشهدا علیه السلام نمایشگاه اخلاق عالی اسلامی و انسانی با همه صفات و طراوت آن بود و این اخلاق را نه به زبان که در عمل به خون پاک خویش بر صفحه ماندگار تاریخ به ثبت رسانید. از پا حسین افتاد و ما بر پای بودیم زینب اسیری رفت و ما بر جای بودیم

### احساس گناه در بین مسلمین

یکی دیگر از آثار نهضت و شهادت سیدالشهدا علیه السلام این بود که مردم پس از مدت کوتاهی متوجه عدم توانایی و ضعف نفس خود شدند، لذا احساس عمیق ندامت و گناه کرده و چنین اندیشیدند که برای جبران این اهمال کاری و غفلت، و نیز برای طلب بخشایش الهی، باید جانبازیهای مشابهی را انجام دهند. و از جمله کارهای امام زین العابدین علیه السلام این بود که کوشید این احساس گناه را شعله‌ور سازد. از این رو به گروه انبوهی از مردم کوفه نهیب زده و فرمود: «ای مردم، شما را به خدا سوگند می‌دهم، آیا شما فراموش کردید که نامه‌ها برای پدرم نوشتید و چون به سوی شما آمد، به او خدعه و نیرنگ زدید؟! شما با پدرم عهد و پیمان بستید و با وی بیعت کردید، اما بیعت خود را شکستید و او را به قتل رساندید پس هلاکت بر شما باد و با این توشه‌ای که به آخرت فرستادید هلاکت بر شما باد. چه رأی زشت و پلیدی را که برای خود پسندیدید! آنگاه که به دیدار پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌شتابید و به شما بگوید: «عترت مرا کشتید، هتک

حرمت مرا کردید.» با چه دیده‌ای به او نظر خواهید کرد؟ و سرانجام به شما خواهد گفت: «از امت من نخواهید بود»<sup>[15]</sup>. این احساس گناه عامل همیشه شعله‌وری بود که مردم را برای شورش و انتقام جویی همواره به جلو می‌راند. استاد «عادل ادیب» در این باره می‌نویسد: شهادت فجیع امام حسین علیه السلام در کربلا موجی شدید از احساس گناه در وجدان هر مسلمانی برانگیخت. آنان پی بردند که می‌توانستند او را یاری دهند. اما از آن پس که با او برای قیام پیمان بستند، او را یاری نکردند. این احساس گناه دو جنبه داشت: از یک طرف انسان را وادار می‌ساخت که گناهی را که مرتکب شده با کفاره بشوید، و از طرف دیگر نسبت به کسانی که او را به ارتکاب چنین گناهی واداشته بودند، احساس کینه و نفرت کند. به طوری که انگیزه انقلابهای متعددی که در اثر قتل امام علیه السلام برپا شد، همان کفاره یاری نکردن به حضرت او، و انتقام گرفتن از امویان بود. مقدر چنین بود که آتش این احساس گناه، پیوسته برافروخته بماند و انگیزه انتقام از بنی امیه در هر فرصت به انقلاب و قیام بر ضد ستمگران منتهی گردد.<sup>[16]</sup> باری، بر اثر شهادت امام حسین علیه السلام این آیه شریفه مصداقی روشن یافت: «و یوم یعض الظالم علی یدیه».<sup>[17]</sup> و روزی که ستمکار دستهای خود را از پشیمانی می‌گزد.

## از دیاد محبوبیت سیدالشهدا و خاندان وحی

سؤمین اثر مهم تربیتی قیام و شهادت سیدالشهدا علیه السلام ، بالا بردن محبوبیت خاندان حضرت علی علیه السلام در اجتماع اسلامی و شناساندن بیشتر و بهتر آنان به مردم بوده است. مسئله داشتن محبوبیت و قبضه کردن افکار اجتماع از مسائل حیاتی و مهمی است که همواره مورد نظر حکومتها بوده و هست. حکومتها هر چند به طور اکثر تکیه گاه بزرگی جز قدرت ندارند، اما به خوبی می دانند که نیرومندتر از قدرت نظامی، جایگاهی است که در دل‌های مردم می باشد، و سعی دارند آن را برای خویش به دست آورند. معاویه نیز با همه تلاشهای شیطانی خود به طور کلی می خواست دو چیز را به دست آورد: یکی محبوبیت بخشیدن به خاندان و شجره خبیثه بنی امیه، و دیگری سقوط خاندان و شجره طیبه حضرت علی علیه السلام از محبوبیت. متأسفانه معاویه در این تلاش خود موفقیت بسیاری هم کسب کرد. اما با ظهور حماسه حسینی و جانبازیهای مردان راستین خدا، نفوذ معنوی و اعتبار روحانی عمیقی برای سیدالشهدا و اهل بیت علیهم السلام ایجاد نمود. به طوری که هر چه از آن واقعه می گذشت مردم بیشتری به خاندان حضرت علی علیه السلام جذب می شدند این محبوبیت رفته رفته چنان بالا گرفت که عده‌ای برای خونخواهی و به نام هوا داران از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله دست به قیام زدند. آری، اگر حسین بن علی علیه السلام پیش از نهضت مردانه‌اش به عنوان امام وقت و سبط پیغمبر و فرزند علی و فاطمه، و بزرگترین شخصیت از خاندان وحی شناخته می شد، پس از قیام با حفظ مقامات سابق، به نام عالیترین و کاملترین نمونه مردانگی و مجاهدت و فداکاری در راه خدا و حقیقت شناخته



شد. «مسیوماربین آلمانی» در این خصوص می‌نویسد: «مهمترین اثر این نهضت این بود که ریاست روحانی که در عوالم سیاست اهمیت شایانی داشت، مجدداً به دست بنی‌هاشم افتاد، و به ویژه در بازماندگان حسین علیه السلام مسلم گردید، و چندی طول نکشید که (حکومت) ظلم و جور معاویه و جانشیان او منهدم شد و در کمتر از یک قرن قدرت از بنی امیه سلب گردید. منهدم شدن (قدرت) بنی امیه به قسمی شد که امروز نام و نشانی از آنها نمودار نیست و اگر در متن کتب تاریخی نامی از این قوم ذکر شده در تعقیب آن هزاران نفرین و ناسزا هم نوشته شده است، و این نیست مگر به واسطه قیام امام حسین علیه السلام و یاران با وفای او»

[18].

## بقای شریعت اسلام

او کشته شد که دین خدا جاودان شود جان جهان فدایش که بی مثل و گوهر است

اوضاع عمومی اسلام و مسلمین بسیار ناراحت کننده بود. فعالیت‌ها و تبلیغات مسموم بنی امیه علیه حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و خاندانش، و نیز تحریفات و بدعت‌هایی که زیرکانه در اسلام داخل کرده بودند، شرایط را جهت نابودی اسلام و محو نام حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آماده کرده بود. خلافت الهی به حکمت سلطنتی و دیکتاتوری تبدیل شده بود. روح شریعت اسلام یعنی پرهیزگاری و عدالت، در اجتماع دیده نمی‌شد و از احکام اجتماعی دین فقط جمعه و جماعت، آن هم به صورت تشریفات وجود داشت؛ و گاهی همین صورت تشریفات نیز به بدعت و بلکه فسق و فجور می‌گرایید. اکثر قریب به اتفاق نسل مسلمان که آن روزها در شبه جزیره عربستان زندگی می‌کرد، در پایان خلافت عمر متولد و در عصر عثمان پرورش یافته و در آغاز حکومت معاویه وارد اجتماع شده بودند، لذا پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را زیارت نکرده و شاید بتوان گفت مقام و منزلت خاندان وحی را درک نکرده بودند. در رأس جامعه‌ای که دچار بی‌ارادگی و ضعف نفس شده بود، حاکمی فاسق و فاجر چون یزید لقب شریف امیرالمؤمنین و خلیفه مسلمین را به ناحق با خود یدک می‌کشید. یک جوان قمار باز و شرابخوار، بی‌بند و بار و صد در صد اهل دنیا و خوشگذران‌های آن بر مردم حکومت می‌کرد یک مغز الکلی که از نظر افکار، نسبت به اسلام و مقدسات اسلام کمترین عقیده‌ای نداشت، و میمون بازی و هوسبازی از کارها و تفریحات روزانه‌اش

بود. انسانهای خطرناک و دنیا طلب به فرمان او در تمام استانها و شهرستانها بر اوضاع مسلط و بر دوش مسلمانان سوار بودند. در چنین وضع خطرناک و دردناکی، امام حسین علیه السلام پای فشرد و عزم جهاد راسخ کرد و با تعداد معدودی از یاران، همراه با زنان و کودکان به استقامت برخاست، و چنین فریاد کرد: «آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل نهی نمی شود؟ در این هنگام باید شخص مؤمن حقا و واقعا طالب لقای پروردگارش باشد»<sup>[19]</sup>. اگر دیدی که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشیننی گناه است باری، مقاومت و پایداری سیدالشهدا علیه السلام بود که شریعت اسلام را بعد از اینکه در اثر طغیان معاویه و جور و بیداد او رو به اضمحلال گذارده بود، و تغییر و تبدیلی که او و پسر ناخلفش یزید در این دین بنا گذاشته و اساس دیانت را متزلزل بلکه مشرف به انهدام نموده بودند نجات بخشید. نهضت این بزرگوار و قیام نیرومندانهاش، بقای دین را باعث گردیده، و با خون خود و اصحاب و یارانش، گلستان دین را آبیاری و نهال گلستان شریعت را سرسبز و شاداب نمودند. اگر نهضت مقدس حسین نبود از اسلام به غیر از اسلام اموی و از دین جز دین یزیدی و دین تشریفاتی چیزی باقی نمانده بود. «مقرم» در کتاب مقتل خود می نویسد: نهضت حسین علیه السلام جزء اخیر از علت تامه جهت استحکام مبانی دین بوده، به طوری که این نهضت، بین دعوت حق و حملات باطل، تفرقه و جدایی انداخته، حق و باطل را از یکدیگر جدا نمود. لذا گفته شده است: دین را وجود مقدس محمدی شروع نموده و بقای آن به واسطه وجود مبارک امام حسین علیه السلام تداوم یافت. «الاسلام نبوی الحدوث و حسینی البقاء»<sup>[20]</sup>. این برکت بزرگ که به خاطر وجود شریف حضرت سیدالشهدا علیه السلام است، از تفسیر بعضی احادیث نبوی نیز به دست می آید، از جمله این حدیث معروف شریف که فرمود: «حسین منی و انا

من حسین»<sup>[21]</sup>. حسین از من است و من نیز از حسینم. بفرمود احمد شه عالمین حسین از منست و منم از حسین بدین معنی که امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام سبط آن رسول گرامی بوده و از زبان مبارک نبوت و انگشت ابهام مقام رسالت تغذیه نموده و رشد و نمای او از شیر جانی نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده است، و از طرفی پیامبر از امام حسین است زیرا دین آن رسول خاتم، به واسطه امام حسین و فداکاری و جان نثاری او به جهان و جهانیان نفوذ کرده و تجلیات و نورافشانی و گیتی شناسی خود را بعد از وفات پیغمبر معظم، به وسیله شهادت و جانبازی و از مال و عیال گذاشتن این بزرگوار به عالمیان جلوه و ظهور داده است. «واشننگتن ایروینک» مورخ آمریکایی گوید: «برای امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام ممکن بود که زندگی خود را با تسلیم شدن به اراده یزید نجات بخشد، لیکن مسئولیت پیشوا و نهضت بخش اسلام اجازه نمی داد که او یزید را به عنوان خلافت بشناسد. او بزودی خود را برای قبول هر ناراحتی و فشاری به منظور رها ساختن اسلام از چنگال بنی امیه آماده ساخت. در زیر آفتاب سوزان سرزمین خشک و در روی ریگهای تفتیده عربستان روح حسین فنا ناپذیر است. ای پهلوان و ای نمونه شجاعت و ای شهسوار من، ای حسین».<sup>[22]</sup> خون او تفسیر اسلام مبین منجی و احیاگر شرع است و دین

## تفسیر و احیای اسلام و امر به معروف و نهی از منکر

از جمله آثار مهم سیاسی - اجتماعی قیام و نهضت حیاتبخش حسینی که به جای مانده، آشکار ساختن اسلام صحیح و احیای امر به معروف و نهی از منکر بود تا بطلان اسلام انحرافی اموی که پس از زمان رحلت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صورت گرفت، روشن شود. خاندان بنی امیه در تبلیغات خود، خویش را از خاندان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قلمداد کرده و اسلام را وارونه به مردم نشان داده بودند و ایشان را در امور دین به ادعای اینکه اولی الامر واجب الاطاعه هستند در حیرت و سرگردانی گذاشته بودند؛ اما امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام با قیام خود همه این توطئه‌ها را بهم ریخت و اسلام اموی و دین یزیدی را از اسلام ناب محمدی جدا ساخت، و با نماز خونین خود در ظهر عاشورا، نماز را اقامه کرده عملاً معنا نمود. چنانکه در زیارت وارث می‌خوانیم: «شهد انک قد اقمت الصلوة و اتیت الزکوة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر». بنابراین، نهضت و شهادت سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَام دو معنی داشت: 1- نفی آنچه به نام اسلام مطرح بود، 2- اثبات آنچه از اسلام فراموش گشته و انکار شده بود - مانند امر به معروف و نهی از منکر - و این هر دو با هم، یعنی «احیای اسلام محمدی». پس از شهادت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، گروه مکتبی، به حرکت توده‌ای مخالف تبدیل شد که بدون استثنا همه مسلمین را در بر گرفت، زیرا مسلمانان به حقیقت اسلام و هدف تفکر مکتبی پی برده بودند، طرز تفکری که از روز اول، شعار حکومتی غیر منحرف و صالح را فریاد می‌کرد. در آن زمان، تمام جهان اسلام دریافته بود که سکوت امت بر انحراف رهبری، خطایی فاحش به شمار می‌آید. زیرا این سکوت به

فاجعه کربلا منجر شد. و همین امر آغازی شد برای انقلابها و امر به معروف و نهی از منکر. آری، کار انبیا و اولیای الهی در حقیقت امر به معروف و نهی از منکر و شناساندن معروف و منکر به مردم بوده است، و در این راستا، نه تنها به سخن بسنده نکردند که از درگیری و تحمل سختیها و دشواریهای آن نیز نهراسیدند. در این بین رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شناب بیشتری به آن دو امر داده و با تلاش و پیگیری اسلام را پیروز کرد. اما بعد از رحلت پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مردم از خط مستقیم محمدی منحرف شدند و نا اهلان را به خلافت پذیرفتند که عامل مهم این مصیبت، جهل مردم و بی توجهی به امر به معروف و نهی از منکر بود. و امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام با قیام مصلحانه خود احیاگر حقیقی این دو فریضه الهی است. چنانکه سر قیام خویش را «اصلاح نمودن امت جدش و امر به معروف و نهی از منکر» معرفی می نماید. او با قیام خود به این دو اصل اسلامی، اعتبار و آبروی شایسته داد و ارزش آنها را در جهان اسلام بالا برد، یعنی در حالی که دیگران آن را در مرز ضرر شخصی متوقف می کنند و ارزش آن را پایین می آورند، نهضت حسینی مرزی برای آن نمی شناسد. گاهی گفته می شود: فقهای شیعه شرایطی را برای امر به معروف و نهی از منکر ذکر کرده اند که از آن جمله: ایمنی از ضرر بر جان و مال و ناموس است. پس شهادت حسین عَلَيْهِ السَّلَام چگونه امر به معروف و نهی از منکر و یا برانگیزاننده بر آن است؟ در جواب باید گفت: گاهی اوقات انسان با مسئله ای مواجه می شود که ناچار است بین از خود گذشتگی برای نجات دین و میهن از نابودی و هلاکت، و به زندگی خویش پرداختن و دین و وطن را رها کردن، یکی را انتخاب کند. و تردیدی نیست که او باید شهادت و از خودگذشتگی را اختیار کند. تا عمل کرده باشد به دو قاعده قطعی: «تقدیم اهم بر مهم» و «دفع ضرر اشد به ضرر اخف». و چنانکه می دانیم که در

زمان خلافت یزید به جایی رسیده بود که قیام امری واجب و تکلیف الهی بود، اگر چه منجر به شهادت حسین علیه السلام و اسارت خاندانش گردد. و اگر ایمنی از ضرر، یک واجب مطلق بود و قیدی نداشت، هرگز جهاد در راه خدا بر مسلمانان واجب نمی‌گشت بلکه شهادت در راه خدا معصیت محسوب می‌شد! و حال آنکه چنین نیست. استاد شهید مطهری (ره) در این باره می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر در مسائل بزرگ مرز نمی‌شناسد، هیچ چیزی، هیچ امر محترمی نمی‌تواند با امر به معروف و نهی از منکر برابری کند. نمی‌تواند جلویش را بگیرد. این اصل دایر مدار این است که موضوع امر به معروف و نهی از منکر چیست. اینجاست که می‌بینیم حسین بن علی علیه السلام ارزش امر به معروف و نهی از منکر را چقدر بالا برد. همانطور که اصل امر به معروف و نهی از منکر را چقدر بالا برد. همانطور که اصل امر به معروف و نهی از منکر، ارزش نهضت حسینی را بالا برد، چون حسین بن علی علیه السلام فهماند که انسان در راه امر به معروف و نهی از منکر به جایی می‌رسد که مال و آبروی خودش را باید فدا کند، ملامت مردم را باید متوجه خودش کند؛ همانطور که حسین کرد».<sup>[23]</sup>

آری، به برکت وجود مقدس حسین و نهضت حیاتبخش وی و شهادت مظلومانه و در عین حال رسواگر او، حقیقت اسلام تفسیر شد و امر به معروف و نهی از منکر احیا گردید. هرگز فنا نیافت بقای تو، زانکه یافت آزادگی، بقای دگر از  
فنا ی تو

## دمیدن روح استقامت و آزادیخواهی

یکی دیگر از آثار و برکات سیاسی - اجتماعی سیدالشهدا علیه السلام این بود که نه فقط با حرف که در عرصه عمل هم روح استقامت و پایداری و آزادیخواهی و حفظ کرامت و عزت نفس را در کالبد بی‌روح مسلمین در همه اعصار دمید. سالار شهیدان در برابر نیروی مهیب ستم و قوه قاهره بنی امیه، بالاترین استقامت و مهمترین پایداری و شهادت را به خرج داده و در مقابل آنان مقاومت کرده و به انسانها درس حریت و آزادگی آموخت. آن حضرت در آخرین لحظات حماسه کربلا با بدنی مجروح و خونین، دشمن را طرف خطاب قرار داده و فرمود: «ای پیروان ابوسفیان، اگر دین ندارید پس در دنیا آزاد مرد باشید». حماسه عاشورا سراسر، شعارهای آزادی‌طلبی و استقامت و عزت نفس است. چنانکه آن حضرت در روز عاشورا ضمن گفتارهای گرم و آتشین خود فریاد می‌زد: «این ناپاک و فرزند ناپاک، مرا بین دو کار مخیر ساخت: یا ذلت را بپذیرم و در برابر یزید تسلیم شوم، و یا اینکه کشته‌گردم و به حکم شمشیر تن دهم! اما از ما خاندان پیغمبر ذلت بدور است، نه خدا برای ما ذلت می‌خواهد و نه پیامبر او و نه مردان پاک دل و مؤمن و نه آن دامنه‌های منزهی که ما را در میان خود پرورانده است»<sup>[24]</sup>. آری، رمز موفقیت و راز پیروزی انسان در همیشه تاریخ بستگی به استقامت و پایداری در مقابل سختی‌های راه دارد و امام حسین علیه السلام با استقامت خود در برابر بنای شرک و اساس کفر و الحاد و بذل جان و تمام هستی خود در این راه مقدس، باعث دمیده شدن روح پایداری و آزادگی



در بین مردم گشت، به طوری که در قیامهای بعد از آن حضرت این امر به خوبی مشهود است.

### قیام حسینی الگوی قیامهای مقدس دیگر

قیامهای مقدس بشری دارای دو مشخصه هستند: اول اینکه آنها برای مقامات عالی انسانیت و توحید و عدل و آزادی، و برای رفع ظلم و استبداد صورت می‌گیرند. دوم اینکه، برقی هستند در ظلمتهای سخت که معمولاً مورد تصویب «عقلای قوم!» قرار نمی‌گیرند. قیام امام حسین علیه السلام هر دو مشخصه را دارا بود، و یکی از آثار این قیام، جنبه الگویی آن برای سایر نهضتها و قیامهای به حق و الهی است. تمام انقلابهای مقدسی که در جهان اسلام پس از شهادت حسین علیه السلام تا زمان ما به وجود آمد، خمیر مایه اصلی آن، قیام آن حضرت بوده و هست و خواهد بود، قیامی که الهام بخش همه نهضتهای اصیل رهایی بخش گردید. و این اصلی است که خود امام حسین علیه السلام در «بیضه» - یکی از منازل بین مکه و کربلا - به همراهان و یاران خویش فرمود: «ولکم فیہ اسوة»<sup>[25]</sup> 25 در من برای شما نمونه و الگویی است. و چنانکه می‌دانیم این الگو، قیام بر علیه ظلم و فساد است، همان امری که باعث گردید خداوند متعال رسولش را در قرآن برای انسانها اسوه و الگو معرفی کند. و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «برای شهادت حسین علیه السلام حرارتی در دلهای مؤمنان است که هرگز سرد و خاموش نمی‌شود»<sup>[26]</sup>. «استاد حسن ابراهیم» در این رابطه می‌گوید: «کشته شدن امام حسین علیه السلام در تهییج شیعیان و وحدت بخشیدن به آنها تأثیر بسیاری داشت. قبل از این رخداد، شیعیان پراکنده بودند؛ زیرا شیعه گری با خون آمیخته گشت و در اعماق قلوب شیعیان، نفوذ کرد و عقیده راسخ آنان شد»<sup>[27]</sup>. اثرات نهضت

امام حسین از خود دستگاه اموی و دشمنان حضرت شروع شد. درست مثل آبی که با حرارت رو به جوشیدن می‌رود، پس از به جوش آمدن، نخست حبابهایی از ته دیگ بالا آمده و در روی آب می‌ترکد، پس از آن کم کم جوشیدن آغاز می‌گردد. انقلاب یک جامعه بر علیه دستگاه ظلم نیز به همین شکل است، اول انتقادات و فریادهای عدالتخواهی و تظلم که به حکم حبابهای ته دیگ هستند از گوشه و کنار کشور بر می‌خیزند و رفته رفته جان گرفته و دیگ جامعه جوشیدن آغاز می‌کند و دستگاه ستم را آنقدر بالا و پایین می‌برد که به صورت کف بی‌ارزشی بر روی زمین می‌ریزد. باری، بعد از شهادت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام بلافاصله این فریادها و انتقادات که مقدمه فرو ریختن ارکان حکومت منحوس بنی امیه بود بلند شد. «سنان بن انس» هنوز از قتلگاه امام بیرون نرفته بود که یارانش به او گفتند: تو حسین بن علی، پسر پیغمبر، دختر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را کشتی! تو مردی را کشتی که از همه عرب بزرگتر است و آمده بود تا حکومت را از دست بنی امیه بگیرد! اکنون پیش امرای خود برو و پاداش خود را بگیر و بدان که اگر تمام موجودی خزانه‌های خودشان را در برابر کشتن حسین به تو بدهند باز هم کم است.<sup>[28]</sup> و نیز «حمید بن مسلم» گوید: زنی را از طایفه «بکر بن وائل» که به همراه شوهرش بود در میان اصحاب عمر بن سعد دیدم که چون دید مردم ناگهان بر زنان و دختران حسین عَلَيْهِ السَّلَام تاختند و شروع به غارت و چپاول نمودند، شمشیری به دست گرفت و رو به خیمه آمد و صدا زد: «ای مردان قبیله بکر، آیا لباس از تن دختران رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به یغما می‌رود؟ مرگ بر این حکومت غیر خدایی، ای قاتلان رسول خدا» در این هنگام شوهرش دست او را گرفته و به خیمه برگرداند.<sup>[29]</sup> اینها و موارد بسیار دیگر، نخستین عکس العمل‌های مردم از واقعه جانسور کربلا بود که رفته رفته به وسعت آن افزوده

می‌گشت، تا جایی که روح انقلاب در مکتب اسلام دمیده شد و مردم هرگاه رهبر لایقی می‌یافتند بر علیه حکومت نامشروع و فاسد بنی امیه دست به قیام می‌زدند، و شعار غالب انقلابها «خونخواهی حسین» بود. شمار این انقلابها زیاد است که ما در اینجا به چند نمونه اشاره می‌کنیم. 1- انقلاب تواین: این انقلاب در کوفه بر پا گردید و واکنش مستقیم قتل امام بود، و انگیزه آن، احساس گناه به علت یاری نکردن امام پس از آنکه کتباً از او دعوت کردند به کوفه آید - بود. لذا کوفیان خواستند ننگی را که مرتکب شده بودند با انتقام از قاتلان آن حضرت بشویند و دست به قیام زدند. این واقعه در سال 65 هجری روی داد. 2- انقلاب مدینه: هدف این انقلاب خونخواهی نبود بلکه انقلابی بود علیه حکومت ستمکار بنی امیه. شرکت کنندگان در این قیام یک هزار تن بودند که به دست سپاهیان شام و با نهایت وحشیگری سرکوب گردید. 3- قیام مختار ثقفی: این قیام در سال 66 هجری در عراق به انگیزه خونخواهی امام حسین علیه السلام و انتقام از قاتلان او صورت گرفت. این انقلاب به رهبری مختار توانست در یک روز دویست و هشتاد تن از قاتلان امام حسین علیه السلام را به قتل رساند. 4- انقلاب مطرف بن مغیره: وی در سال 77 هجری بر علیه حجاج بن یوسف شورید و عبدالملک بن مروان را از خلافت خلع کرد. 5- انقلاب ابن اشعث: او نیز بر علیه حجاج در سال 81 هجری شورید و عبدالملک مروان را از خلافت خلع کرد. این شورش تا سال 83 به طول انجامید. در آغاز، پیروزیهای نظامی به دست آورد اما بعدها شکست خورد. 6- انقلاب زید بن علی: وی که از فرزندان امام زین العابدین علیه السلام بود در سال 122 هجری در کوفه قیام کرد، اما بیدرنگ به وسیله سپاهیان شام که در آن هنگام در عراق بودند سرکوب گردید. 7- قیام حسین بن علی، شهید فخر: «فخر» نام وادی و محلی است در

قسمت غربی و یک فرسخی شهر مکه، و آن جایی است که حسین بن علی (صاحب فخر) بر علیه حکومت عباسی در سال 169 هجری قیام کرد و با یاران خویش به شهادت رسید. وی یکی از سادات و علمای اسلام بود که برای عظمت تشیع با خون خویش پس از حدود یک قرن از ماجرای کربلا اثری عمیق در عالم تشیع بجای گذاشت. این انقلابها و انقلابهای دیگر، نقش مهمی در برابر حکومتهای ناشایست وقت از نظر محفوظ ماندن ظواهر اسلام و نام مقدس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و رعایت حقوق مردم ایفا کردند. و این نهضتها خود یکی از آثار مهم و ثمرات نهضت ریشه‌دار و عمیق سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَام بود. در زمان کنونی نیز خواستگاه انقلاب اسلامی ایران، مجالسی بود که به جهت بزرگداشت حماسه حسینی و واقعه عاشورا اقامه می‌گردید. قیام حسینی نه تنها برای مسلمین بلکه برای غیر مسلمانان نیز که به دنبال رهایی از ظلم و ستم بوده و هستند، سرمشق قرار می‌گیرد. «مهاتما گاندی» می‌گوید: من زندگی امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام آن شهید بزرگ اسلام را به دقت خوانده‌ام و توجه کافی به صفحات کربلا نموده‌ام و بر من روشن شده است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد، بایستی از امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام پیروی کرده و سرمشق بگیرد. [30]

حسین، کشته دیروز و رهبر روز است      قیام اوست، که پیوسته نهضت آموز است

خون او تفسیر این اسرار کرد      ملت خواییده را بیدار کرد

## بیداری خفتگان

از جمله آثار و برکات دیگری که قیام و شهادت سیدالشهدا علیه السلام در بعد سیاسی - اجتماعی داشت، بیدار شدن خفتگان و انتقال روح مبارزه جویی بر علیه ظلم و ستم بوده و هست. برای تنویر ذهن و تصویر مطلب، لازم است به طور اجمال اشاره‌ای به وضعیت جامعه اسلامی آن دوران داشته باشیم. مردم آن زمان به چند دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول: که قسمت عمده مردم را تشکیل می‌داد، کسانی بودند که در مقابل فساد معاویه، اراده خود را از دست داده بودند و به پستی و خواری ناشی از فساد که پیرامون خلافت اسلامی را فرا گرفته بود تن در داده بودند. دسته دوم: کسانی بودند که منافع خصوصی خود را بر رسالت و امامت ترجیح می‌دادند. این دسته بر خلاف دسته اول فارغ از ظلم و انحراف بنی امیه بودند و آن را احساس نمی‌کردند. دسته سوم: ساده لوحانی که فریب فرمانروایان بنی امیه را خورده بودند. و اگر نبود قیام و مقاومت امام حسین و اصحاب راستین پیامبر به رهبری اهل بیت علیهم السلام، ساده لوحان بسیاری فریب خورده و می‌گفتند که اگر این دستگاه سلطنتی و کارهای آن قانونی نبود، صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خاموش نمی‌نشستند. دسته چهارم: کسانی بودند که می‌پنداشت امام حسن علیه السلام خلافت را به معاویه واگذار کرده و با وی به خاطر اوضاع و احوال پیچیده زمان سازش نموده است! زیرا اگر چه برای مردم کوفه و عراق که از نزدیک در جریان بودند، ماجرای صلح تحمیلی آشکار بود؛ اما مسلمانانی که در گوشه و کنار جهان اسلامی آن روزگار پراکنده بودند - مانند مردم خراسان - و از دور دستی بر آتش داشتند از ابعاد مسئله بی‌خبر بودند از این رو امام

حسین علیه السلام با قیام خونین خود ثابت کرد که صلح برادرش به معنای کناره‌گیری از رسالت اهل بیت علیهم السلام نیست. گذشته از این چهار دسته که در واقع جملگی در خواب خرگوشی مشترک بودند، دو دسته دیگر یعنی پیروان بنی امیه و یاران حقیقی امام حسین علیه السلام نیز وجود داشتند. زیرا اگر چه اصحاب سیدالشهدا بسیار اندک بودند ولی قابل ذکر است که برخی از شیعیان و علاقه‌مندان امام در سایر ایالت‌های اسلامی بودند و پس از اطلاع یافتن از دعوت حضرت، خواستند به او لبیک گویند ولی مرکز کوفه تحت کنترل شدید نظامیان عبیدالله بن زیاد بود و به هیچ وجه نمی‌گذاشتند کسی از آن خارج یا به آن وارد شود، و بسیاری از مسلمانان نیز در مناطق دور دست از این فاجعه به کلی بی‌خبر بودند که حساب آنها با سایرین جدا است. با توجه به آنچه به طور اجمالی بیان شد، معلوم می‌گردد که مردم کوفه تا چه حدی در خواب خرگوشی فرو رفته بودند. که تمام فریادهای امام و یارانش را نشنیده گرفته و آسایش و رفاه طلبی، آنان را از هر نوع کمکی در راه نجات اسلام از انحراف باز می‌داشت. در آن شرایط، انقلاب خونین سیدالشهدا علیه السلام تمام معادلات سیاسی دشمنان را بر هم زد و اوضاع اجتماعی آن زمان را دگرگون ساخت. جانفشانی شخصیت منحصر به فردی چون امام حسین علیه السلام که از نخبگان و برگزیدگان و پیشوای علی‌الاطلاق مسلمانان بود و با فضیلت‌ترین و نزدیکترین آنها به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بود از طرفی خدایی بودن حرکت مصلحانه سیدالشهدا علیه السلام و گذشتن از همه هستی خود از طرف دیگر، و عمق فاجعه و مظلومیت آن امام عزیز از ناحیه سوم باعث گردید زنگ بیدار باش، خواب سنگین مردم را بر هم زند و مردگان را احیا کند، و درخت اسلام را که به پژمردگی روی آورده بود، با خون خود آبیاری کند و آنچنان طراوت و شادابی بخشد که تا ابد سر

سبز و خرم باقی ماند. در آن عصر قحطی حق جویان و حق مداران، که ظلم و شرک و فساد، در پناه سرنیزه و کشتار، حکومت می‌کرد و سکوت بود و سکون! حسین تازیانه فریاد بلند کرد و بر پیکر خفته، بلکه مرده امت فرود آورد و چنان شور و حرکتی آفرید که آن مردم را بیدار بلکه زنده نمود، و با این بیداری از آنها پاسداری از انقلاب محمد ﷺ و عدل علی و صبر حسن علیه السلام، و معنای قرآن و رسالت اسلام و خون خویش را طلب نمود. خون امام حسین علیه السلام همانند آب حیاتی بود که در کالبدهای مرده و خشک و مأیوس جریان پیدا کرد و منشأ قیامهای بسیاری شد. و براستی می‌توان گفت که عصر عاشورا پایان نهضت امام حسین علیه السلام نبود بلکه آغاز حرکت و اول بیداری ملت اسلام خصوصاً شیعیان بود. «فلیپ حتی» در کتاب تاریخ عرب می‌نویسد: «فاجعه کربلا، سبب جان گرفتن و بالندگی شیعه و افزایش هواداران آن مکتب گردید. به طوری که می‌توان ادعا کرد که آغاز حرکت شیعه و ابتدای ظهور آن، روز دهم محرم بود.»<sup>[31]</sup> و «گیبون» مورخ مشهور گوید: «در طی قرون آینده بشریت و در سرزمین‌های مختلف، شرح صحنه حزن آور مرگ حسین علیه السلام موجب بیداری قلب خونسردترین قاریان و خوانندگان خواهد شد.»<sup>[32]</sup>

بر لوح فتحنامه او شد شکست او      مرد حق از شکسته شد هم مظفر است

## شکست یزید و یزیدیان

با توجه به مفهوم پیروزی و شکست، به این نتیجه می‌رسیم که پیروزی آن نیست که انسان از میدان نبرد سالم به در آید و یا دشمن خود را به خاک هلاکت افکند، بلکه پیروزی آن است که هدف خود را پیش ببرد و دشمن را از رسیدن به مقصود خود باز دارد. امیرالمؤمنین علیه السلام در این خصوص فرموده است: «ما ظفر من ظفر الاثم به، و الغالب بالشر مغلوب»<sup>[33]</sup> کسی که گناه بر او پیروز شد، شکست می‌خورد و کسی که از راه بدی بر دشمن ظفر یافت در واقع مغلوب است». از این رو اگر چه امام حسین علیه السلام و یارانش پس از یک نبرد خونبار و قهرمانانه به نور عظیم شهادت رسیدند، اما آنها هدف مقدس خود را به تمام معنی از آن شهادت پر افتخار گرفتند. و هدف این بود که به تکلیف عمل شده و ماهیت حکومت ارتجاعی و ضد اسلامی اموی آشکار شود و افکار عمومی مسلمین بیدار گردد، که این هدف به خوبی انجام گرفت. رسوایی سران اموی و قاتلان امام حسین علیه السلام به حدی بالا گرفت که سرانجام پس از گذشت چند سال نه تنها هیچ کس از آل امیه جرأت نداشت نسبت خود را آشکار سازد بلکه بدنهای مردگان آنها را هم از قبر بیرون کشیدند و با آتش سوزاندند. آری، راه پیشرفت و پیروزی که داشت با سرعت فراوان برای آن دودمان کتیف در بین امت هموار می‌شد، بعد از واقعه کربلا یکباره درهم ریخت و با رسوایی بسیار، بساط ابوسفیانیان برچیده گشت. «استادنیکلسون» گوید: «حادثه کربلا، حتی مایه پشیمانی و تأسف امویان شد، زیرا این واقعه، شیعیان را متحد کرد و برای انتقام امام حسین، هم صدا شدند و صدای آنان در همه جا و مخصوصاً عراق و



ایرانیانی که می‌خواستند از نفوذ عربها آزاد شوند انعکاس یافت». [34] یکی دیگر از شواهد شکست یزیدیان و بنی امیه، زمانی است که امام سجاد علیه السلام در کوفه خطبه خواند و ماهیت پلید دشمنان خدا را برای مردم خفته و فریب خورده آشکار کرد. لذا مردم یک زبان عرض کردند: «ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، همه ما شنوا و مطیع و حافظ عهد و پیمان تو هستیم، از تو روی بر نگردانده و تو را ترک نخواهیم کرد، پس خدا تو را رحمت کند، به ما دستور بده که همانا با دشمن تو دشمن و با دوست تو دوستیم، تا یزید را بگیریم و از کسانی که به تو و ما ظلم نمودند، دوری بجوییم». [35] آری، امام حسین را کشتند، اما حسین که فقط جسم نیست، امام حسین یک مکتب است که بعد از مرگش زنده تر شد. و اگر چه در کربلا قیام قامت امام حسین علیه السلام را در خون کشیدند، و نای حقیقت گوی او را بریدند، اما در حقیقت امام حسین زنده تر شد، او بزرگ مردی است که با شهادتش حرکتی عظیم و تحولی بزرگ در تاریخ ایجاد کرد و یزید و یزیدیان را رسوا نمود. (حسان)، حسین، به ظاهر اگر چه شد مغلوب شکست اوست، که در هر زمانه پیروز است

زخون سرخ قلبت، نوری جهیدن گرفت که ظلمت جهل را، صاعقه آسا برد

## رهایی از جهالت و ضلالت

هفتمین اثر و برکت از آثار و برکات اجتماعی نهضت سید الشهداء علیه السلام این بود که با قیام و شهادت خویش مردم را از جهالت و گمراهی نجات بخشید. او خون دل خویش را در راه خدا بذل کرد تا امت را از حیرت ضلالت و جهالت که در اثر تسلط و تبلیغات مسموم بنی امیه پیش آمده بود برهاند. چنانکه در زیارت اربعین امام حسین علیه السلام می خوانیم: «و بذل مهجته فیک، لیستنقذ عبادک من الجهالة و حيرة الضلالة». و حسین علیه السلام خون قلب خود را در راه تو بذل کرد تا بندگان را از جهالت و حیرت گمراهی برهاند. استاد شهید مطهری (ره) در توضیح فراز مذکور می فرماید: «مقصود از جهالت مردم این نبود که چون مردم بی سواد بودند و درس نخوانده بودند مرتکب چنین عملی شدند، و اگر درس خوانده و تحصیل کرده می بودند نمی کردند. نه، در اصطلاح دین، جهالت، بیشتر در مقابل عقل گفته می شود و مقصود آن تنبه عقلی است که مردم باید داشته باشند (و به تعبیر دیگر قوه تجزیه و تحلیل قضایایی مشهود و تطبیق کلیات بر جزئیات است و این چندان ربطی به سواد و بی سوادی ندارد. علم، حفظ و ضبط کلیات است و عقل قوه تحلیل است). به عبارت دیگر، امام حسین علیه السلام شهید فراموشکاری مردم شد، زیرا مردم اگر در تاریخ پنجاه - شصت ساله خودشان فکر می کردند و قوه تنبه و استنتاج و عبرت گیری در آنها می بود و به تعبیر سیدالشهدا علیه السلام که فرمود: «ارجعوا الی عقولکم» اگر به عقل و تجربه پنجاه - شصت ساله خود رجوع می کردند و جنایتهای ابوسفیان و معاویه و زیاد در کوفه و خاندان اموی را اصولاً فراموش نمی کردند و گول ظاهر فعلی

معاویه را که دم زدن از دین به خاطر منافع شخصی است نمی خوردند و عمیق فکر می کردند که آیا امام حسین علیه السلام برای دین و دنیای آنها بهتر بود یا یزید و معاویه و عبیدالله، هرگز چنین جنایتی واقع نمی شد...»<sup>[36]</sup>. آری، امام حسین علیه السلام با نهضت مقدس خویش در آن ظلمت سخت و در میان یأسها و ناامیدیهای مطلق، و در موقعی که ستاره‌ای در آسمان بشریت دیده نمی شد، مانند برقی درخشید و مانند شعله‌ای حقانی فرا راه آدمیان ظاهرگشت. او به خوبی می دانست که تنها مردم نادان و گمراهند که آلت دست حکومت‌های ستمکار و بیدادگر و فاسد واقع می شوند، به همین خاطر با بذل خون پاک خویش سعی کرد ملت جاهل و گمراه را از آن وضع خطرناک و دردناک نجات بخشد. لذا امام صادق علیه السلام در فراز مورد بحث، هدف قیام حسینی را تنها فدایی امت گنهکار بودن و شفاعت از آنان در قیامت بیان نمی کند، بلکه می فرماید: هدف، نجات دنیای انسانیت از جهالت و ضلالت بود.

## سخنی پیرامون زیارت سیدالشهدا

ای غمین ز اشتیاق حضرت او روز و شب مایل به زیارت او تو از او دور نیستی بالله «قبره فی قلوب من والاه» در طول تاریخ انسانهایی بوده و هستند که پس از مرگشان، زندگی و حیاتشان ادامه پیدا کرده و با مرگ بدنشان، وجودشان و شخصیت و اندیشه‌شان ادامه یافته است. مردان خدا و شخصیت‌های الهی، همانگونه که در زمان حیات خویش استوانه دین و محور انسانیت و پشتوانه حق و عدالت هستند، در زمان پس از مرگ نیز آرامگاه و زیارتگاهشان پشتوانه حق و عدالت و فضیلت است. و در این میان، زیارت مشهد حسینی از ویژگی‌های برجسته‌ای برخوردار است. آنانکه توفیق پیدا می‌کنند و به زیارت مرقد مطهرش مشرف می‌شوند، روی به آستان امام حسین علیه السلام آورده و به جانب این مدرسه عشق و فضیلت و دانشگاه کمال و تربیت می‌گرایند. اینگونه تربیت اجتماعی و یک چنین موسسه تهذیب اخلاق و ادب، برای هیچ ملتی از ملل گیتی میسر و مقدور نیست. البته ملحدین و معاندین و مخالفین مکتب تشیع به خیال خود شبهات و اشکالهای می‌کنند و می‌گویند: «زیارت قبور، بت پرستی است؟!» در حالی که هر کس که به زیارت قبور ائمه علیهم السلام می‌رود هرگز به عنوان «بت» آنها را زیارت نمی‌کند. چه کسی است که حسین بن علی علیه السلام را خدا بداند؟! شیعه، امام را مقرب درگاه خدا می‌داند و با توسل به او قربی به خدا پیدا می‌کند، همانطور که خودش در قرآن مجید فرمود: «به سوی او وسیله بگیرید»<sup>[37]</sup> امام را وسیله الهی می‌داند. زیرا توسل و شفاعت، بعدی از ابعاد زیارت است که زائر از این طریق خود را به درگاه الهی نزدیک می‌کند، و

پیشوایان ما وعده فرموده‌اند که از زائران خود دستگیری کنند. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «هر امامی بر گردن دوستان و پیروانش عهد و پیمانی دارد و وفای به این عهد، بیا،» زیارت قبر آنان ممکن می‌باشد. و کسی که به شوق زیارت آنها و با تصدیق به فضیلت آنها به سوی قبور آنها برود مورد شفاعت ائمه در قیامت قرار می‌گیرد. پس هر زائری باید بکوشد تا از این شفاخانه فیض، استشفای دردهای درونی و امراض قلبی و اندرونی خود را خواسته، خواستار آن شود که صفای دل و دوستی خاطر و پاکیزگی روح و قداست روان و سلامت تن، از خدمت آفریدگار جهان به وی عطا گردد، تا اینکه هم ظاهر او به جمال و کمال آراسته شود و هم باطن وی از آلودگی‌ها پاک و مصفا گردد. هر زائری که با معرفت و شناخت مقام صاحب این مرقد و اهداف او به زیارت برود، از صاحب قبر الهام می‌گیرد و اصول و تعالیم مکتب را به یاد می‌آورد، و هر زیارت و سلام او سرشار از این آموزشها و الهامها است. از طرفی زیارتنامه‌های وارده، و خواندن هر کدام از آنها، خواننده و زائر را به دقت و تفکر واداشته، متذکر تاریخ و احوال انبیا و اولیای معصوم می‌گرداند. تأمل در زیارت عاشورا و دیگر زیارات، این مطلب را به خوبی روشن می‌سازد که امامان به این وسیله در صدد ساختن انسانهای مؤمن و متعهد بوده‌اند، لذا به آنها تعلیم داده‌اند که در زیارت امام حسین علیه السلام از خداوند بخواهند که زندگی و مرگشان را «حسین گونه» قرار دهد، و آنها را در دینا و آخرت همراه آن حضرت بدارد: «اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد، و مماتی ممات محمد و آل محمد... و ان يجعلنی مع حکم فی الدنیا و الاخرة». به امید به اینکه خداوند متعال توفیق زیارت حضرتش را در دنیا و شفاعتش را در روز قیامت نصیب ما گرداند، به آثار و برکاتی که زیارت سیدالشهدا علیه السلام به دنبال دارد می‌پردازیم:

## آرامش بخشیدن به زائر

قبل از آنکه به آثار و برکاتی که برگرفته از روایات اسلامی است اشاره کنیم، این نکته لازم به ذکر است که زیارت مرقد شریف امام حسین علیه السلام مانند سایر ائمه، به مردمان و زیارت کنندگانش، نوعی آرامش و اطمینان می‌بخشد. در این عصر که انسان را موجودی مضطرب می‌نامند، و پیوسته دست به گریبان با پدیده‌هایی چون تردید، ناکامی، تشویش، ترس و ناسازگاری با محیط و زندگی ماشینی و محرومیت و جنگ و حتی کنار نیامدن یا؛ -- خود است، و هر روز شاهد کاهشها و فرسایشها است و نمی‌تواند از اضطراب در امان بماند، این زیارت مرقد مردان خدا و پیشوایان دین است که به انسان آرامش خاطر می‌دهد. در زیارت یک نوع کشش و نیاز الزام آوری انسان را و می‌دارد که فشارها و فریادهای درونی را از راهی خارج کند. زائر آن مرقد شریف در پرتو دعا و گفتگو با پاکان و استمداد از ارواح پاک مقربان درگاه الهی، نیرو گرفته و نابسامانیها را با توسل بدانها بر خود هموار می‌سازند، و خستگی‌ها و فشارهای وارد بر روان، و نیز اضطرابها و یأسها را از خود می‌زدایند و به آرامش و اطمینانی برای ادامه زندگی دست می‌یابند.

## در امان خدا بودن

به امام صادق علیه السلام عرض کردند: کمترین اثری که برای زائر قبر امام حسین علیه السلام چیست؟ فرمود: «کمترین تأثیرش این است که خداوند متعال، او و خانواده و مالش را حفظ می کند تا به سوی اهل خویش برگردد، و چون روز قیامت فرا رسد، خداوند حافظ او خواهد بود.»<sup>[38]</sup>

## زائر خدا محسوب شدن

زید بن شحام گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: برای زائر قبر امام حسین علیه السلام چه می باشد؟ فرمود: «همانند کسی است که خدا را در عرش دیدار نموده باشد». گفتم: برای کسی که یکی از شما را زیارت کند چه می باشد؟ فرمود: «همانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت نموده است». [39].



## برآورده شدن حاجات و دفع پریشانی

امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا نزد شما قبری است که هیچ فرد پریشانی نزد آن نمی‌آید مگر آنکه خداوند از او دفع پریشانی نماید و حاجتش را برآورد».<sup>[40]</sup> و نیز به ابوصباح کنانی فرمود: «همانا نزد شما قبری است که هیچ فرد پریشانی نزد آن نمی‌رود مگر آنکه خداوند از او پریشانی را دفع نموده و حاجتش را برآورده می‌نماید، و همانا نزد او چهار هزار فرشته هستند که از هنگام شهادتش آشفته و غم‌آلود تا روز قیامت بر او می‌گریند. هر کس او را زیارت کند، وی را تا خانه‌اش بدرقه می‌کنند، و هر که مریض شود به عیادتش می‌روند، و هر که بمیرد جنازه‌اش را تشییع می‌کنند».<sup>[41]</sup>

## زیادتی در عمر و رزق

امام باقر علیه السلام فرموده است: «شیعیان ما را به زیارت قبر حسین علیه السلام امر کنید، زیرا زیارت او موجب فزونی در رزق و طول عمر و دفع بلاها و ناگواریها می شود». [42]

## آمزش گناهان

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس حسین علیه السلام را زیارت کند در حالیکه عارف به حق او بوده و به امامتش اقرار داشته باشد خدای سبحان، گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد». [43] و جابر جعفی در ضمن یک حدیث طولانی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «چون از نزد قبر حسین علیه السلام بازگشتی، ندا کننده ای تو را ندا می دهد که اگر آن را می شنیدی، تمام عمر را نزد قبر شریف حسین علیه السلام اقامت می گزیدی. آن منادی گوید: خوشا به حال تو ای بنده خدا که سود فراوان بردی و به سلامت (در دین) دست یافتی. عمل از سر بگیر که گناهان گذشته ات آموزیده شد». [44]

## محسوب نشدن ایام زیارت از عمر زائر

امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا ایام زیارت زائران حسین بن علی علیه السلام از عمرشان محسوب نگشته و جزء حیاتشان به شمار می آید». [45].

## حفاظت زائر در دنیا و آخرت

عبدالله بن هلال به امام صادق علیه السلام عرض کرد: فدایت شوم، کمترین نصیبی که زائر امام حسین علیه السلام دارد، چیست؟ فرمود: «ای عبد الله، کمترین چیزی که برای او می باشد، این است که خداوند او و خانواده اش را حفظ می کند تا وی را به سوی خانواده اش باز گرداند، و چون روز قیامت فرا رسد، خداوند حافظ او می باشد». [46].

## عنایت و توجه سیدالشهدا

امام صادق علیه السلام فرمود: «حسین در نزد پروردگارش... به زائرانش نظر می کند. او نگاه می کند که چه کسی برای آن حضرت گریه می کند، پس برای او طلب آمرزش کرده و پدرانش را می خواند تا برای آن زائر دعا کرده و طلب آمرزش و مغفرت نمایند. سپس امام (حسین) می فرماید: اگر زائر من می دانست که خدا چه چیزی برای او عطا می فرماید شادی او بیشتر از جزع و بی تابی وی می گردید». <sup>[47]</sup> و امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس مرا در زندگانی زیارت کند، پس از مرگش بازدیدش خواهم کرد». <sup>[48]</sup>

## خیر و برکت زیاد

امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر مردم می دانستند که چقدر خیر و برکت در زیارت امام حسین علیه السلام وجود دارد، برای زیارت کردنش با یکدیگر مقاتله می کردند، و هر آینه اموالشان را برای رفتن به زیارتش می فروختند»<sup>[49]</sup>. و امام باقر علیه السلام فرمود: «اگر مردم می دانستند که زیارت قبر شریف حسین علیه السلام چه مقدار فضیلت و برکت دارد، از شوق زیارت جان می سپردند و نفسهایشان از شدت حسرت بند می آمد»<sup>[50]</sup>.

## برابری زیارت قبر حسین با حج

عبدالله بن عبید انباری گوید: به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: فدایت شوم، همه ساله وسایل تشریف به حج برایم فراهم نمی شود. فرمود: «چون قصد حج نمودی و اسباب برایت فراهم نگشت، به زیارت قبر حسین علیه السلام برو، که یک حج برایت نوشته می شود و چون قصد عمره نمودی و وسایل مهیا نشد، عزم زیارت قبر حسین علیه السلام نما، که یک عمره برایت منظور می شود»<sup>[51]</sup>.

نام زائر در اعلیٰ علیین ثبت می‌شود

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس به زیارت قبر حسین علیه السلام برود در حالی که عارف به حق او باشد، خداوند نام او را در اعلیٰ علیین می‌نویسد». [52]

غرق شدن در رحمت الهی

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: ثواب کسی که قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند، در حالی که کبر و غرور نداشته باشد چیست؟ فرمود: «برایش هزار عمره و حج مقبول نوشته می‌شود. اگر شقی باشد، سعید نوشته می‌گردد، و پیوسته در رحمت الهی غوطه‌ور خواهد بود». [53]

## دعای معصومین برای زائر

معاویة بن وهب از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: «ای معاویة، زیارت قبر حسین علیه السلام را از روی ترس وامگذار، زیرا هر که آن را ترک کند، چنان دچار حسرت می‌شود که آرزو نماید قبرش نزد او باشد. آیا دوست نداری که خداوند تو را در زمره کسانی به حساب آورد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی و فاطمه و امامان معصوم علیهم السلام برایش دعا می‌کنند؟»<sup>[54]</sup> و نیز فرمود: «همانا فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم نزد زائران قبر فرزندش حسین علیه السلام حضور یافته و برای گناهانشان طلب آمرزش می‌کند».

## تجلی خدا

امام صادق علیه السلام فرمود: «به درستی که خدای تبارک و تعالی، قبل از اهل عرفات، برای زائران قبر حسین علیه السلام تجلی می‌نماید، حوایج آنان را بر آورده می‌کند، گناهانشان را آمرزیده و درخواستهایشان را به اجابت مقرون می‌سازد، و سپس متوجه اهل عرفات شده و در مورد آنان نیز اینگونه عمل می‌کند».<sup>[56]</sup>

## سعادت

امام صادق علیه السلام به عبدالملک خثعمی فرمود: «زیارت حسین بن علی علیه السلام را ترک مکن و دوستانت را نیز به آن فرمان بده، تا خداوند بر عمرت افزوده و روزیت را زیاد گرداند. خداوند سبحان زندگانی تو را در سعادت قرار خواهد داد، و نمی‌میری مگر سعادت‌مند، و تو را در سلک سعادت‌مندان خواهند نوشت».

[57]

## تأثیر زیارت در روز عاشورا

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس قبر حسین را در روز عاشورا زیارت کند، همانند کسی است که در برابر او به خون خود غلطیده باشد» [58].



## قرار گرفتن در جوار پیامبر و علی و فاطمه

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس می‌خواهد در جوار پیامبر صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه علیهما السلام باشد، نباید زیارت حسین بن علی علیهما السلام را ترک کند» [59].

## تأثیر زیارت در روز قیامت

امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ کس در روز قیامت نیست مگر آنکه آرزو می‌کند که ای کاش از زائرین امام حسین علیه السلام می‌بود زیرا مشاهده می‌نماید که با زائران حسین علیه السلام به واسطه مقامی که در نزد پروردگار دارند، چگونه عمل می‌شود» [60]. و نیز فرمود: «هر کس دوست دارد در روز قیامت بر سر سفره‌هایی از نور بنشیند پس باید از زائرین حسین بن علی علیهما السلام باشد» [61]. و زرارة بن اعین گوید: «امام صادق علیه السلام فرمود: «زائرین حسین یک برتری نسبت به سایر مردم دارند» پرسیدم: برتریشان چیست؟ فرمود: «چهل سال قبل از مردم وارد بهشت می‌شوند در حالی که دیگران هنوز در حال حساب هستند» [62].

## رهایی از شداید قیامت

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود: «من تعهد می‌کنم که در روز قیامت هنگامه رستاخیز، ضمن ملاقات با زائر حسین علیه السلام، دستش را بگیرم و از مراحل هول‌انگیز و سختیهای قیامت نجاتش بخشیده و او را به بهشت وارد کنم» [63].

## نجات از آتش جهنم

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس قبر حسین علیه السلام را به خاطر خداوند و در راه خدا زیارت نماید، خداوند او را از آتش دوزخ آزاد می‌سازد، و روز ترس بزرگ (قیامت) او را ایمن می‌دارد. از خداوند نیز هیچ حاجتی از حوائج دنیا و آخرت را طلب نمی‌کند مگر آنکه به او عطا می‌نماید» [64]. این آثار و آثار دیگری که به خاطر اجتناب از طولانی شدن مطلب ذکر نکردیم، همگی به برکت وجود حضرت سیدالشهدا علیه السلام است که امیدوارم هر چه زودتر توفیق زیارت مرقد مطهرش نصیب تمام عاشقان گردد.

## سخنی پیرامون مرقد سیدالشهدا

اگر چه قبر حقیقی سیدالشهدا علیه السلام در دلها و قلبهاست که بنای آن از دوران کودکی در سرزمین دل شیعیان و عاشقانش گذارده شد؛ اما مرقد شریف آن حضرت همواره از آثار و برکات متعددی برخوردار بوده است. ضریح مقدس و حرم مطهر امام حسین علیه السلام یادگاری از جان نثاری و فداکاری او و یارانش در راه خدا می‌باشد. مرقدی که جای عترت آدمیان برای ابد و دوام خواهد بود، و سزاوار است که این بارگاه شریف و غم‌انگیز و شور آفرین، همواره زیارتگاه مردم جهان شده و انسانها، فداکاری و عشق و صفا را از خفتگان این مرقدهای شریف، سرمشق گیرند. حرم حسین کعبه دلهاست. و این کعبه طوافگاه زائران و قبله امیدواران و دارالشفای دردمندان و پناهگاه توبه کنندگان و گنهکاران است. آری، عاشقان کویش و دلباختگان رویش، پروانه وار خود را در اطراف ضریح مطهرش گردانیده و به آتش عشق و محبت او، پر و بال خویش را می‌سوزانند و اشک شوق و اشتیاق بر چهره و رخسار می‌افشانند، و بر مظلومی و مصیبت‌های او و خاندانش ناله سر می‌دهند براستی «این چه شمعی است که جانها همه پروانه اوست»

برگرد حریم تو، که دست طلب ماست چون دامن شمعی است، که پروانه بگیرد

فضل و شرافت کربلا و مرقد مطهر سیدالشهدا علیه السلام چنان است که امام صادق علیه السلام فرمود: «قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام از آن روزی که در آنجا دفن شد، باغی از باغهای بهشتی است»<sup>[65]</sup> با ذکر این مختصر، شایسته است جهت

آگاهی و آشنایی با چگونگی حرم و مرقد شریف امام حسین علیه السلام و تحولات عمارت شریف، مطالبی به طور اجمال ذکر گردد. محل دفن آن حضرت که همان گودال قتلگاه است، اکنون دارای سقفی است که روی آن صندوق مبارک نهاده شده و روی صندوق، ضریح در میان روضه منوره، و روضه نیز در بین مسجد (مسجد بالا سر و مسجد پشت سر) و در طرف پایین یا در زاویه روضه قبور شهدا می باشد این مجموعه هم اکنون حرم امام حسین علیه السلام را تشکیل می دهد، و حرم نیز میان رواق و رواق در وسط صحن و صحن محور آبادانی زمین کربلا بوده و می باشد. ضریح مقدس در وسط واقع است و از نقره خالص ساخته شده که در پیش روی آن با طلا و به خط نسخ نوشته شده: «**ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون**»، و در بالای سر، «آیه نور» نوشته شده است. صحن مطهر حسین علیه السلام دارای هفت باب است که عبارتند از: 1- باب قبله که ساعتی بر فراز آن نصب است، 2- باب قاضی الحاجات 3- باب زینبیه که در حدود تل زینبیه قرار دارد 4- باب سلطانی 5- باب بازار بزازها 6- باب سدره که در شمال صحن بوده و به بازار و اطراف راه دارد 7- باب صافی که به درب بین الحرمین نیز معروف است. از اخبار چنین بر می آید که بارگاه حسینی هفت مرتبه - به غیر از عمارت موجود - بنا نهاده شده است. عمارت اول: بارگاه سیدالشهدا علیه السلام پس از ساختن قبر شریف آن حضرت برای اولین بار در دوران بنی امیه بنا گردید، اخبار و روایات بسیاری آمده که در زمان بنی امیه سقفی بر روی مزار امام و مسجدی (ظاهراً توسط بنی اسد) نزدیک آن ساخته شد و تا زمان هارون الرشید (سال 193) همچنان باقی بود. عمارت دوم: بعد از تخریب مرقد شریف، توسط هارون، در زمان مأمون خلیفه عباسی، عمارت دوم بنا شد، و تا سال 232 باقی بود. اما از آن سال تا

سال 247 متوکل چهار بار امر به خرابی و انهدام قبر کرد، و اوقاف حایر مبارک را برد و ذخایر آن را تاراج کرد. عمارت سوم: سومین بار مرقد مطهر امام به دست «منتصر» تجدید بنا شد، و تا سال 273 باقی بود. عمارت چهارم: تجدید بنای مرقد امام برای چهارمین بار به دست محمد بن زید بن حسن بن محمد بن اسماعیل بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب، ملقب به «داعی صغیر» پادشاه طبرستان انجام گرفت. عمارت پنجم: بنای عضد الدوله دیلمی بود، که در سال 369 بنا شد، و در زمان او بود که رواقی به دست عمران بن شاهین معروف به «رواق عمران» در حایر حسین ساخته شد. عمارت ششم: ششمین بار بارگاه حسین به دست حسن بن مفضل بن سهلان ابومحمد رامهرمزی، وزیر سلطان الدوله دیلمی نوسازی شد. عمارت هفتم: عمارت موجود است که در سال 767 بعد از سرنگونی دولت آل بویه به سال 310 به دستور سلطان اویس ایلخانی ساخته شد، و در سال 786 فرزندش احمد بن اویس در تکمیل آن کوشید و تاریخ آن در بالای محراب و نزدیک سر شریف آن حضرت نگاشته شده است.<sup>[66]</sup> و اما آثار و برکات مرقد شریف و حرم مطهر سیدالشهدا علیه السلام عبارتنداز:

## مرقد حسینی، نیروبخش است

با ذکر اجمالی تحولاتی که در عمارت مرقد مطهر امام حسین علیه السلام صورت گرفته است به خوبی معلوم می‌گردد که زیارت قبر آن حضرت در مبارزه با حکومت بنی عباس تأثیر مهمی داشته است، و به همین دلیل بود که عباسیان قبر آن امام را دشمن خود می‌دانستند و به ویرانی آن دست می‌زدند، زیرا این قبر شریف به مرکز تجمع مخالفان و مبارزان تبدیل شده بود. مشاهده مزار و مرقد شهیدان کربلا و به نظر در آوردن آن مصائب جانگذار، حالت بیننده را دگرگون ساخته و استقامت حال او را به هم زده و وارونه می‌سازد، که چگونه عده‌ای قلیل در مقابل جمعی کثیر و سپاهی مجهز و مهیا تن به مرگ داده و روی عقیده و ایمان خود ثبات قدم داشته و تا آخرین قطره خون خود مبارزه و جانفشانی نمودند.

## محل نزول فرشتگان الهی

امام صادق علیه السلام فرمود: «ما بین قبر حسین علیه السلام تا آسمان، محل رفت و آمد فرشتگان الهی است.»<sup>[67]</sup> و نیز فرمود: «قبر حسین بن علی علیه السلام بیست ذراع در بیست ذراع است. آن باغی از باغهای بهشت، و محل عروج فرشتگان به آسمان می باشد هیچ فرشته مقرب و پیامبر مرسل نیست جز آنکه از خدا می خواهد که او را زیارت کند پس گروهی فرود می آیند و گروهی بالا می روند»<sup>[68]</sup>.

## نماز قبول می‌شود

اگر انسان زائر، حق امام را شناخته و با معرفت و ولایت او در کنار قبر مطهرش نماز گذارد، مورد قبول حق تعالی قرار می‌گیرد. چنانکه امام صادق علیه السلام در شأن و مقام کسی که به مرقد و بارگاه شریف حضرت مشرف شده و نماز بخواند، فرمود: «خداوند متعال اجر نمازش را قبولی آن قرار می‌دهد»<sup>[69]</sup>.



## تمام خواندن نماز

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «نماز در چهار مکان تمام خوانده می‌شود (یعنی اگر چه از حد مسافت شرعی هم بیشتر باشد اما شکسته نمی‌شود): 1- مسجد الحرام (مکه)، 2- مسجد الرسول (مدینه)، 3- مسجد کوفه، 4- حرم امام حسین علیه السلام»<sup>[70]</sup>. و نیز روایت شده که «ابن شبل» از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کنم؟ فرمود: پاک و خوب زیارت کن و نمازت را در حرمش تمام بخوان. پرسید نمازم را تمام بخوانم؟ فرمود: تمام. عرض کرد: بعضی از اصحاب و شیعیان شکسته می‌خوانند؟ فرمود: اینان دو چندان عمل می‌کنند»<sup>[71]</sup>. لذا چنانکه در رساله‌های عملیه نیز آمده است، در حرم امام حسین علیه السلام می‌توان نماز را، هم شکسته خواند و هم به برکت آن حضرت تمام بجا آورد.

## اجابت دعا و برآورده شدن حاجت

خداوند سبحان در ازای ایثار و فداکاری سیدالشهدا علیه السلام و تحمل هرگونه سختی چون تشنگی و غم و اندوه فراوان برای حفظ اسلام، در مرقد شریفش برکاتی را قرار داده که از جمله آنها اجابت دعا و برآورده شدن حاجات است. چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس دو رکعت کنار قبر حسین علیه السلام نماز بخواند، از خداوند چیزی را مسئلهت نکند جز اینکه به او عطا شود». <sup>[72]</sup> و نیز فرمود: «خداوند در عوض قتل امام حسین علیه السلام امامت را در ذریه آن حضرت، شفا را در تربتش، اجابت دعا را در کنار مرقدش قرار داده، و ایام زیارت کنندگان او از عمرشان حساب نمی‌شود». <sup>[73]</sup>

## سخنی پیرامون تربت سیدالشهدا

سجده بر خاک تو شایسته بود وقت نماز ای که از خون جبینت به جبین آب وضوست

فضیلت و آثار و برکاتی که برای تربت حسینی است، برای هیچ تربتی و قطعه‌ای از قطعات زمین نیست. خاک کربلا قطعه‌ای از بهشت است که خداوند قادر متعال به واسطه قدردانی از یک فداکار در راه دین که تمام هستی خود را فدا کرده، در آن خاک، برکت و فضیلت و شفا قرار داده است. کربلایش قطعه‌ای از جنت است باب نور و باب لطف و رحمت است اما در اینکه چرا تنها این خاک دارای چنین ویژگیها و آثار و برکات است؟ باید گفت: هر چیزی که در این عالم، شرافت ظاهری و یا معنوی پیدا می‌کند، یا به خاطر انتساب آن به خداوند سبحان و شرافت ذاتی است، و یا به خاطر وقوع امر خارق العاده و مهمی است که به آن شرافت و برکت داده است. در تربت کربلای سیدالشهدا علیه السلام هر دو امر محقق شده است، زیرا خاک کربلا بنا بر روایاتی، هم شرافت ذاتی و خدا دادی، و هم امر عظیم و واقعه‌ای مهم در آنجا واقع گردیده که آن شهادت حسین بن علی علیه السلام و یاران وفادارش می‌باشد، لذا دارای فضیلت و آثاری خاص است. آمده است که چون بر قبر امام حسین علیه السلام آب بستند، پس از چهل روز آب فرو نشست و اثر قبر محو گردید، یکی از اعراب بنی اسد آمد و از خاک قبضه قبضه برداشت و بویید تا بر قبر حسین رسید، و چون او را می‌بوسید گریه می‌کرد و می‌گفت: پدر و مادرم به فدایت، چه اندازه خوشبویی که قبر و تربت تو چنین خوشبو است، سپس شروع کرد به سرودن:

خواهند نهان سازند قبرش ز حیبیش خوشبویی خاک قبر گردیده دلش

آری خاک مزار حسین علیه السلام سرمه چشم عاشقان و شیفتگانش بوده و ایشان را مجنون وار به سوی خود می‌کشاند. از آنجایی که هدف این کتاب بر شمردن آثار و برکات سیدالشهدا علیه السلام است، از تفصیل در مطلب پرهیز کرده و علاقه‌مندان به این مقوله را به کتابهای مربوط ارجاع می‌دهد. و اما آثار و برکاتی که می‌توان برای تربت پاک حسینی برشمرد عبارتند از:

### تأثیر تماس اعضای بدن با تربت

یکی از آثار و برکات تربت سیدالشهدا علیه السلام این است که متبرک نمودن بدن و صورت با آن تربت شریف تأثیر معنوی زیادی بر انسان خواهد گذاشت، از این رو از بعضی بزرگان دین و امامان معصوم نقل شده که بعد از نماز، بدن و صورت خویش را با مهر کربلا متبرک می‌کنند. و نیز دستور داده‌اند که قبل از خوردن تربت جهت شفا گرفتن، آن را بوسیده و با اعضای بدن تماس داده شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند متعال تربت جدم حسین علیه السلام را شفای هر درد، و ایمنی از هر خوفی قرار داده است؛ پس هرگاه یکی از شما خواست از آن خاک تناول کند، ببوسد و آن را به چشم گذارد و بر سایر اعضای بدنش تماس دهد...» [74].

## سجده بر تربت

یکی دیگر از برکات و آثار خاک مزار امام حسین علیه السلام این است که سجده بر آن تربت پاک حجابهای ظلمانی را کنار زده و در توجه حق تعالی به نمازگزار مؤثر است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «همانا سجود بر تربت حسین علیه السلام حجابهای هفتگانه را پاره می کند». <sup>[75]</sup> لازم به ذکر است که مراد از «حجاب» در کتاب و سنت، همان حجابهایی است که بین بنده و خالق حایل شده و او را از شهود خداوند محجوب می سازد که در مرحله اول، حجابهای ظلمانی و در مرحله دوم، حجابهای نورانی بر طرف می شود اما مراد از حجابهای هفتگانه، ظاهراً حجابهای ظلمانی است. سجده بر تربت حضرت سیدالشهدا علیه السلام این خاصیت را دارد که در صورت معرفت به حق حضرت و ولایت او، حجابها را دریده و راهگشای وصول به کمالات انسانی باشد

سجده بر خاک سرکوی تو آرند خلائق جان فدای تو که هم قبله و هم قبله نمایی

و اما در خصوص اینکه در میان شیعه معمول است از خاک مقدس کربلا یعنی تربت کنار قبر سیدالشهدا علیه السلام خاک برداشته و با آن مهر درست کرده و غالباً در نماز، به آن سجده می کنند بدین خاطر است که از خاک زمین بوده و به تمامی خاکها می توان سجده کرد، و از طرفی خاک کربلا به لحاظ شهادت امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش شرافت پیدا کرده است، به طوری که اهل بیت علیهم السلام نیز به ما فرموده اند در هر نمازی که سجده بر تربت کربلا باشد خداوند آن

نماز را به خاطر آن حضرت قبول می‌کند. چنانکه حضرت صادق علیه السلام از خاک کربلا درون کیسه‌ای ریخته و در سجاده همراه داشت، در هنگام نماز آن کیسه را باز می‌کرد و بر آن سجده می‌نمود.

### شفا یافتن

از جمله آثار و برکات قطعی تربت پاک سیدالشهدا علیه السلام شفا بودن آن برای دردها و آلام انسان است. روایاتی که دلالت بر این امر دارند به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول: روایاتی است که شفا بودن را برای تربتی که از خود قبر شریف برداشته شود مخصوص کرده است، چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «به درستی که نزد سر حسین علیه السلام تربت سرخی است که شفای هر دردی غیر از مرگ می‌باشد». [76] دسته دوم: روایاتی است که با تعبیرات مختلف توسعه‌ای از بیست ذراع تا پنج فرسخ و یا ده میل را برای آن قائل است. چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «حریم مزار حسین علیه السلام پنج فرسخ از چهار جانب قبر است». [77] دسته سوم: روایاتی است که به طور مطلق جنبه شفا بودن تربت را مطرح نموده‌اند. چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «خاک مزار امام حسین علیه السلام برای هر دردی شفاست». [78]

تا شفا بخشد روان و جسم هر بیمار را در حریم وصل خود خاک شفا دارد حسین

نیز امام رضا علیه السلام فرمود: «خوردن گل، مانند خوردن مردار و خون و گوشت خوک، حرام است مگر گل مزار حسین علیه السلام، بدرستی که در آن شفای هر درد و امنیت از هر ترسی است». [79] حکایت: عالم زاهد پرهیزگار حجة الاسلام و المسلمین مرحوم آقای حاج شیخ محمد حسن عالم نجف آبادی

قدس سره نقل فرمودند: «من در زمان مرجعیت مرحوم آیه الله آخوندی خراسانی (ره) که در نجف اشرف مشغول تحصیل بودم مریض شدم و این بیماری مدتی طول کشید و پرستاری مرا بعضی از طلاب در همان حجره مدرسه بر عهده داشتند. پس از چندی بیماری من به قدری شدید شد که اطبا از شفا یافتنم مأیوس شدند و دیگر برای معالجه‌ام نیامدند، و من در حال تب شدید گاهی بیهوش می‌شدم و گاهی به هوش می‌آمدم. یکی از رفقا که مرا پرستاری می‌کرد شنیده بود که عالم زاهد مرحوم آیه الله آقای حاج علی محمد نجف آبادی قدس سره مقداری از تربت اصلی حضرت سیدالشهدا علیه السلام را دارد. او به منزل معظم له رفته و از وی خواسته بود که قدری از آن تربت را بدهد که به من بخوراند تا شفا یابم. ایشان فرموده بود: من به قدر یک عدس تربت دارم و آن را گذاشته‌ام که بعد از مرگم در کفنم بگذارند. آن آقا ناراحت شده و گفته بود: حالا که ما از همه جا مأیوس شده و به شما پناه آورده‌ایم شما هم از دادن تربت خودداری می‌کنید؟ این بیمار در حال احتضار است و می‌میرد. مرحوم آیه الله آقای حاج علی محمد، دلش به حال بیمار سوخته و قدری از آن تربت که از جان خودش عزیزترش می‌داشت به آن شخص داده بود. تربت را با آب مخصوصی که وارد شده در آب حل کرده و به حلق من ریخته بودند. من که در حال بیهوشی به سر می‌بردم، ناگهان چشمان خود را باز کرده و دیدم رفقا اطراف بستر من نشسته‌اند، خوب دقیق شدم و آنان را شناختم و قصه تربت را که به حلقم ریخته بودند برایم شرح دادند. کم‌کم در خود احساس نیرو و نشاط کردم و حرکتی به خود داده نشستم، دیدم نشاط بیشتری دارم برخاستم و ایستادم، و چون یقین کردم که به برکت تربت مقدس امام حسین علیه السلام شفا یافته‌ام حال خوشی پیدا کردم و به رفقا گفتم: از شما خواهش می‌کنم که از

حجره بیرون بروید، چون می‌خواهم زیارت عاشورا را بخوانم رفقاً از حجره بیرون رفتند و من درب حجره را بستم و بدون احساس ضعف با آن حال خوشی که قابل و صف کردن نیست مشغول خواندن زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام شدم». <sup>[80]</sup> آری، شفای بیماران به وسیله تربت آن حضرت یکی از برکاتی است که خداوند متعال در عوض شهادت امام حسین علیه السلام به وی عطا فرموده است

تربت راز شفای همه درد است حسین      تن و جان را نبود مثل تو آگاه طبیب



## تأثیر کام برداشتن اطفال با تربت

کام برداشتن اطفال با تربت امام حسین علیه السلام موجب ایمنی کودک می شود چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «کام فرزندان را با تربت حسین علیه السلام باز کنید که آن امان است». [81]

## تأثیر تربت حسین، همراه جنازه

صاحب کتاب «مدارک الاحکام» می نویسد: در زمان حضرت صادق علیه السلام زن زاینه ای بود، بچه هایی که از زنا بدنیا می آورد در تنور می انداخت و می سوزانید. وقتی که مرد، پس از غسل و کفن او را به خاک سپردند، اما زمین جنازه اش را بیرون انداخت. جای دیگر او را دفن کردند باز زمین او را نپذیرفت تا سه مرتبه، آنگاه مادرش به امام صادق علیه السلام متمسک شد: ای پسر پیغمبر به فریادم برس، فرمود: کارش چه بود؟ عرض کردند زنا و سوزاندن بچه های حرامزاده. فرمود: هیچ مخلوقی حق ندارد مخلوقی را بسوزاند، سوزاندن به آتش مخصوص خالق است عرض کرد حالا چه کنم؟ فرمود: مقداری از تربت حسین علیه السلام با او در قبر بگذارید. تربت حسین علیه السلام امان است. همراهش گذاشتند زمین او را پذیرفت. در توفیق مبارک حضرت حجة بن الحسن (عج) نیز اذن داده شده است. یکی از شیعیان به حضرت (در زمان غیبت صغری توسط نایب خاص حضرت) می نویسد: آیا جایز است ما تربت حسین علیه السلام را با میت در قبر بگذاریم، یا با تربت حسین روی کفن بنویسیم؟ حضرت در پاسخ مرقوم

می‌فرمایند: هر دو کار پسندیده است. البته باید رعایت احترام تربت بشود. مهر  
یا تربت، مقابل یا زیر صورت میت باشد، بلکه به برکت خاک قبر حسین علیه السلام  
قبر میت محل امنی از هر بلا و آفت و عذابی گردد. <sup>[82]</sup>.

## تسبیح تربت

از حضرت صاحب الزمان (عج) روایت شده که فرمود: «هر کس تسبیح تربت امام حسین علیه السلام را در دست گیرد و ذکر را فراموش کند، ثواب ذکر برای او نوشته می‌شود».<sup>[83]</sup> و امام صادق فرمود: «یک ذکر یا استغفار که با تسبیح تربت حسین علیه السلام گفته شود برابر است با هفتاد ذکر که با چیز دیگر گفته شود».<sup>[84]</sup>

## سخنی پیرامون عزاداری و گریه بر سیدالشهدا

«گریه» مظهر شدیدترین حالات احساسی انسان است، و علتها و انگیزه‌های مختلفی دارد که هر یک از آنها نشان دهنده حالتی خاص است. در روایات، بعضی از انواع گریه تحسین شده و از صفات پسندیده بندگان پاکدل خداوند به حساب آمده است، و بعضی از انواع گریه مذموم شمرده شده است. گریه، از حالات و انفعالات انسانی است که با مقدمه‌ای از اندوه و ناراحتی روانی به طور طبیعی به ظهور می‌رسد، و گاه ممکن است انگیزه‌اش هیجانات تند روانی باشد. مثل شوق و ذوقی که از دیدار محبوب پس از زمانی طولانی ناشی می‌شود. همچنین گاهی هم گریه کردن حاکی از عقاید مذهبی انسان است با این توصیف، از آنجایی که گریه عملی طبیعی و ای بسا غیر ارادی است؛ لذا نمی‌شود مورد امر و نهی و حسن و قبح قرار گیرد، بلکه آنچه که مورد حسن و قبح است، مقدمات و انگیزه‌های گریه می‌باشد. چنانکه گفته‌اند: «تو آنی که در بند آنی». در اینجا برای اینکه بدانیم گریه بر سیدالشهدا علیه السلام چگونه گریه‌ای است و چه تأثیرات و برکاتی می‌تواند داشته باشد، بهتر آن است که اشاره‌ای به انواع گریه کنیم تا بعد از آن، نوع گریه بر آن حضرت بر ایمان معلوم گردد. 1- گریه طفولیت: زندگانی انسان با گریه شروع می‌شود که همان گریه، نشانه سلامت و تندرستی نوزاد است، و در واقع گریه در آن زمان، زبان طفل است. 2- گریه شوق: مانند گریه مادری که از دیدن فرزند گمشده خویش پس از چندین سال سرداده می‌شود. و این گریه‌ای است که از روی هیجان و احیاناً جهت سرور و شادی به انسان دست می‌دهد. 3- گریه عاطفی و محبت: محبت از عواطف

اصیل انسانی است که با گریه انس دیرینه دارد. مثلاً محبت حقیقی به خداوند حسن آفرین است و برای قرب به او باید اشک محبت ریخت.  
صنما با غم عشق تو چه تدبیر کنم تا به کی در غم تو ناله شبگیر کنم

4- گریه معرفت و خشیت: انجام عبادات خالصانه و تفکر در عظمت آفرینش و کبریایی خداوند، و همچنین اهمیت تکالیف و مسئولیتهای انسانی باعث می‌گردد که نوع خاصی از خوف، در درون انسان ایجاد شود و این خوف، خوفی است که از روی معرفت به خداوند و تهذیب نفس به دست می‌آید که «خشیت» نامیده می‌شود. 5- گریه ندامت: از عوامل اندوه زدایی که منجر به گریه می‌گردد، محاسبه نفس و حسابرسی شخصی است، و همین حسابرسی باعث می‌شود که انسان به گذشته خود فکر کند و با حسابرسی، جبران کوتاهی و خطاها را بکند و اشک حسرت و ندامت از چشمانش جاری نماید، این گریه، نتیجه توبه و بازگشت به خداست.

اشک می‌غلتد به مزگانم به جرم رو سیاهی ای پناه بی پناهان، مو سپید روسیاهم  
روز و شب از دیدگان اشک پشیمانی فشانم تا بشویم شاید از اشک پشیمانی گناهم

6- گریه پیوند با هدف: گاهی قطره‌های اشک انسان، پیام آور هدفهاست. گریه بر شهید از این نوع گریه است. گریه بر شهید خوی حماسه را در انسان زنده می‌کند و گریستن بر سیدالشهدا علیه السلام خوی حسینی را در انسان احیا می‌کند، و خوی حسینی چنان است که نه ستم می‌کند و نه ستم می‌پذیرد. آن کسی که با شنیدن حادثه کربلا قطره اشکی از درون دل بیرون می‌فرستد، صادقانه این پیوند با هدف والای سیدالشهدا علیه السلام را بیان می‌کند. 7- گریه ذلت

و شکست: گریه افراد ضعیف و ناتوانی که از رسیدن به اهداف خود مانده‌اند و روح و شهامتی برای پیشرفت در خود نمی‌بینند. با ذکر این مطلب، حال باید بررسی کرد که گریه بر حسین علیه السلام از چه نوع گریه است. هر کس با اندک توجهی خواهد دانست که گریه بر حسین علیه السلام گریه محبت است، آن محبتی که در دل‌های عاشقانش به ثبت رسیده است. گریه بر او، گریه شوق است، زیرا قسمت زیادی از حماسه‌های کربلا، شوق آفرین و شورانگیز است و به دنبال آن سیلاب اشک شوق به خاطر آن همه رشادت، فداکاری، شجاعت و سخنانیهای آتشین مردان و زنان به ظاهر اسیر، از دیدگان شنونده سرازیر می‌گردد و نیز گریه معرفت و پیوند با هدف متعالی و انسان ساز او است؛ و به تعبیر امام خمینی (ره) گریه سیاسی است که فرمود: «ما ملت گریه سیاسی هستیم، ما ملتی هستیم که با همین اشکها سیل جریان می‌دهیم و سدهایی را که در مقابل اسلام ایستاده است خرد می‌کنیم»

هزار سال فزون شد ز وقعه عاشورا ولی ز تعزیه هر روز، روز عاشورا است

هیئات که گریه بر حسین علیه السلام گریه ذلت و شکست باشد، بلکه گریه پیوند با سرچشمه عزت است، گریه امت نیست، که گویا است، گریه سرد کننده نیست، که حرارت بخش است، گریه بزندان نیست، که گریه شجاعان است، گریه یأس و ناامیدی نیست که گریه امید است، و بالاخره گریه معرفت است و گریه معرفت در عزای حسین علیه السلام از انحراف و تحریف در قیام آن حضرت جلوگیری می‌کند و شاید به همین جهت باشد که در فضیلت گریه بر سیدالشهدا علیه السلام روایات متعددی وارد شده است. از آن جمله، روایتی است که امام صادق علیه السلام فرمود: «گریه و بی تابگی در هر مصیبت برای بنده مکروه است، مگر گریه بر حسین بن علی علیه السلام که اجر و ثواب نیز دارد».<sup>[85]</sup> گریه و عزاداری برای

سیدالشهدا علیه السلام دارای آثار و برکات مهمی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

### حفظ رمز نهضت حسینی

از ارزنده‌ترین آثار و برکات مجالس عزاداری و گریه بر ابی عبدالله حسین علیه السلام حفظ رمز نهضت حسینی است. برآستی؛ چرا در دوران منحوص سلاطین و پادشاهان جور از برپایی مجالس عزای اهل بیت علیهم السلام به خصوص سالار شهیدان جلوگیری می‌شد؟ آیا نه این است که عزای حسینی و امامان شیعه، سبب می‌شود که سخنوران و دانشمندان متعهد و انقلابی، مردم را از ظلم‌های حکومتها آگاهی دهند و انگیزه قیام آن حضرت که امر به معروف و نهی از منکر است به اطلاع مردم برسد؟ آری، اینگونه مجالس، آموزشگاهها و دانشگاههایی است که به بهترین روش و زیباترین اسلوب مردم را به سوی دین خوانده و عواطف را آماده می‌کند و جاهلان و بی‌خبران را از خواب سنگین غفلت بیدار می‌سازد و نیز در این مجالس است که مردم، دیانت را همراه با سیاست، از مکتب حسین بن علی علیه السلام می‌آموزند. گریه بر سیدالشهدا علیه السلام و تشکیل مجالس عزای حسینی نه تنها اساس مکتب را حفظ می‌کند، بلکه باعث می‌گردد شیعیان با حضور در این مجالس از والاترین تربیت اسلامی برخوردار شده و در جهت حسینی شدن رشد و پرورش یابند. کدام اجتماعی است که در عالم چنین اثری را از خود بروز داده باشد؟ کدام حادثه‌ای است مانند حادثه جانسوز کربلا که از دوره وقوع تاکنون و بعدها بدینسان اثر خود را در جامعه بشریت گذارده، و روز به روز دامنه آن وسیعتر و پیروزی و تبعیت از آن بیشتر گردد؟ از این رو

باید گفت که در حقیقت مراسم عزاداری حافظ و زنده نگه‌دارنده نهضت مقدس امام حسین علیه السلام و در نتیجه حافظ اسلام و ضامن بقای آن است. تشکیل مجالس عزاداری حسین، نه تنها اساس مکتب را حفظ کرده و می‌کند بلکه به علاوه سبب آن گردید که شیعیان با حضور در این مجالس از والاترین تربیت اسلامی برخوردار شده و در جهت حسینی شدن رشد و پرورش یابند. «موریس دوکبری» می‌نویسد: «اگر مورخین ما، حقیقت این روز را می‌دانستند و درک می‌کردند که عاشورا چه روزی است، این عزاداری را مجنونانه نمی‌پنداشتند. زیرا پیروان حسین به واسطه عزاداری حسین می‌دانند که پستی و زیر دستی و استعمار را نباید قبول کنند. زیرا شعار پیشرو و آقای آنان تن به زیر بار ظلم و ستم ندادن است. قدری تعمق و بررسی در مجالس عزاداری حسین نشان می‌دهد که چه نکات دقیق و حیات بخشی مطرح می‌شود، در مجالس عزاداری حسین گفته می‌شود که حسین علیه السلام برای حفظ شرف و ناموس مردم و بزرگی مقام و مرتبه اسلام، از جان و مال و فرزند گذشت و زیر بار استعمار و ماجراجویی یزید نرفت؛ پس بیاید، ما هم شیوه او را سرمشق قرار داده از زیر دستی استعمار گرایان خلاصی یابیم و مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت ترجیح دهیم...» [86].



## ازدیاد محبت به امام، و تنفر از دشمنان آن حضرت

سوزی که از دل سوخته عاشقان سیدالشهدا علیه السلام به چشم سرایت کرده و از مجاری دو چشم آنها به صفحه رخسار وارد می شود، مراتب علاقه و اخلاص و دلبستگی به خاندان وحی و رسالت را می‌رساند و این عمل اثری مخصوص در ابقای مودت و ازدیاد محبت دارد. گریه بر حضرت سیدالشهدا علیه السلام از مواردی است که هیچ انسانی از فرط دلسوزی و انقلاب، طاقت بردباری و تحمل در برابر استماع مصائب او را ندارد، و این گریه و بیقراری، علاوه بر ازدیاد محبت و مهر و مودت، موجب کثرت تنفر و بی‌زاری از دشمنان و قاتلان آن حضرت شده و موجب برائت دوستداران این خانواده از دشمنان ایشان می‌گردد. باری، گریه با آگاهی و معرفت بر امام حسین علیه السلام، در واقع، اعلام انزجار از قاتلان اوست و این تبری از آثار برجسته گریه بر امام حسین علیه السلام است زیرا مردم به ویژه افرادی که دارای شخصیت هستند از گریه کردن در برابر حوادث تا سر حد امکان امتناع می‌ورزند، و تا شعله درونی آنان به مرتبه انفجار نرسد حاضر به گریه کردن مخصوصاً در برابر چشم دیگران نیستند، این گریه و عزاداری ابراز کمال تنفر در برابر تعدی و تجاوز و ستمگری و پایمال نمودن حقوق جامعه و به ناحق تکیه زدن بر مسند حکومت آنان می‌باشد.

## آشنایی با حقیقت دین و نشر آن

یکی دیگر از آثار و برکات مجالس عزاداری سیدالشهدا علیه السلام این است که مردم در سایه مراسم عزاداری به حقیقت اسلام آشنا شده و بر اثر تبلیغات وسیع و گسترده‌ای که همراه با این مراسم انجام می‌گیرد، آگاهی توده مردم بیشتر شده و ارتباطشان با دین حنیف محکمتر و قویتر می‌گردد. چه اینکه قرآن و عترت دو وزنه نفیسی هستند که هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند و این آگاهی در اقامه ماتم و مراسم سوگواری عترت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به خصوص امام حسین علیه السلام به آحاد مردم داده خواهد شد.

## آمزش گناهان

ریان بن شیبب از امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود: «ای پسر شیبب، اگر بر حسین علیه السلام گریه کنی تا آنکه اشک چشمت بر صورتت جاری شود، خداوند گناهان کوچک و بزرگ، و کم یا زیاد تو را می آمرزد»<sup>[87]</sup>. و نیز فرمود: «گریه کنندگان باید بر کسی همچون حسین علیه السلام گریه کنند، زیرا گریستن برای او گناهان بزرگ را فرو می ریزد»<sup>[88]</sup>.

## سکونت در بهشت

امام باقر علیه السلام فرمود: «هر مؤمنی که در سوگ حسین علیه السلام اشک دیده ریزد، به حدی که بر گونه‌اش جاری گردد، خداوند او را سالیان سال در غرفه‌های بهشت مسکن می‌دهد».<sup>[89]</sup> و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس درباره حسین علیه السلام شعری بخواند و گریه نماید و یک نفر را بگریاند، بهشت برای هر دوی آنها نوشته می‌شود. کسی که حسین علیه السلام نزد او ذکر شود و از چشمش به مقدار بال مگسی اشک آید، اجر او نزد خداست و برای او جز به بهشت راضی نخواهد شد».<sup>[90]</sup> و نیز فرمود: «هر کس که در عزای حسین علیه السلام بگرید یا دیگری را بگریاند و یا آنکه خود را به حالت گریه و عزا درآورد، بهشت بر او واجب می‌شود».<sup>[91]</sup>

## شفا یافتن

یکی دیگر از آثار و برکات مجالس عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام شفا گرفتن است. به طوری که بارها دیده‌ایم و شنیده‌ایم که بعضی از عزاداران و گریه کنندگان بر حسین علیه السلام شفا گرفته‌اند. نقل است که مرجع بزرگ شیعه مرحوم آیه الله العظمی بروجردی در سن نود سالگی دارای چشمانی سالم بودند که بدون عینک خطوط ریز را هم می‌خواندند و می‌فرمودند: این نعمت را مرهون وجود مبارک حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام هستم. و قضیه را چنین نقل می‌فرمودند: در یکی از سالها در بروجرد بودم، به چشم درد عجیبی مبتلا شدم که بسیار مرا نگران ساخته بود. معالجه پزشکان فایده‌ای نکرد و درد چشم هر روز بیشتر و ناراحتی من افزونتر می‌گردید، تا اینکه ایام محرم شد. در ایام محرم آیه الله فقید، دهه اول را روزه داشتند و دسته‌های مختلف هم در این عزاداری شرکت می‌کردند. یکی از دسته‌هایی که روز عاشورا به خانه آقا وارد شده بود، «هیئت گلگیرها» است که نوعاً سادات و اهل علم و محترمین هستند، در حالی که هر یک حوله سفیدی به کمر بسته‌اند، سر و سینه خود را گل آلود کرده و بطور بسیار رقت بار و مهیج و در عین حال با سوز و گداز فراوان و ذکری جانسوز آن روز را تا ظهر عزاداری می‌کنند. آقا فرمودند: «هنگامی که این دسته به خانه من آمدند و وضع مجلس با ورود این هیئت هیجان عجیبی به خود گرفته بود من هم در گوشه‌ای نشسته و آهسته آهسته اشک می‌ریختم و در این بین هم مقداری گل از روی پای یکی از همین افراد گلگیر برداشته و بر روی چشمهای ملتهب و ناراحتم کشیدم، و به برکت همین توسل، چشمانم خوب شد

و امروز علاوه بر اینکه متبلا به درد چشم نشدم، از نعمت بینایی کامل برخوردارم، و به برکت حضرت امام حسین علیه السلام احتیاج به عینک هم ندارم». با اینکه همه قوای جسمانی ایشان تحلیل رفته بود با این وجود تا آخرین ساعات زندگانی از بینایی کامل برخوردار بودند.

### گریه کننده بر حسین، در قیامت گریان نیست

رسول اکرم صلی الله علیه و آله به فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: «هر چشمی در روز قیامت گریان است مگر چشمی که برای مصائب حسین علیه السلام گریه کرده باشد، چنین کسی در قیامت خندان و شادان به نعمت‌های بهشتی است». [92].

آن روز دیده‌ها همه گریان شود ز هول جز چشم گریه کرده بسوگ و عزای او

## امان از سكرات موت و آتش دوزخ

مسمع گوید: حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: آیا متذکر می شوی با حسین چه کردند؟ عرض کردم: آری، فرمود: آیا جزع و گریه می کنی؟ گفتم: آری، به خدا سوگند گریه می کنم و آثار غم و اندوه در صورتم ظاهر می شود حضرت فرمود: «خدا اشک چشمت را رحمت کند. آگاه باش که تو از آن اشخاصی هستی که از اهل جزع برای ما شمرده می شوند، به شادی ما شاد و به حزن ما محزون و اندوهناک می گردند. آگاه باش که بزودی هنگام مرگ، پدرانم را بر بالین خود حاضر می بینی، در حالی که به تو توجه کرده و ملک الموت را درباره تو بشارت می دهند، و خواهی دید که ملک الموت در آن هنگام از هر مادر مهربان به فرزندش، مهربانتر است» سپس فرمود: «کسی که بر ما اهل بیت به خاطر رحمت و مصائب وارده بر ما گریه کند، رحمت خدا شامل او می شود قبل از اینکه اشکی از چشمش خارج گردد؛ پس زمانی که اشک چشمش بر صورت جاری شود اگر قطره ای از آن در جهنم بریزد، حرارت آن را خاموش کند، و هیچ چشمی نیست که گریه کند بر ما مگر آنکه با نظر کردن به کوثر و سیراب شدن با دوستان، خوشوقت می گردد».<sup>[93]</sup> با توجه به این روایت شریف باید گفت: جایی که آتش جهنم که قابل مقایسه با آتش دنیا نیست و به وسیله گریه بر حسین علیه السلام خاموش و برد و سلام گردد، پس اگر در موردی، آتش ضعیف دنیا عزادار حسینی را نسوزاند جای تعجب نیست. سید جلیل مرحوم دکتر اسماعیل مجاب (داندانسان) عجایی از ایام مجاورت در هندوستان که مشاهده کرده بود نقل می کرد، از آن جمله می گفت: عده ای از بازرگانان هندو (بت

پرست) به حضرت سیدالشهدا علیه السلام معتقد و علاقه مندند و برای برکت مالشان با آن حضرت شرکت می‌کنند، یعنی در سال مقداری از سود خود را در راه آن حضرت صرف می‌کنند. بعضی از آنها روز عاشورا به وسیله شیعیان، شربت و پالوده و بستنی درست کرده و خود به حال عزا ایستاده و به عزاداران می‌دهند، و بعضی آن مبلغی که راجع به آن حضرت است را به شیعیان می‌دهند تا در مراکز عزاداری صرف نمایند. یکی از آنان را عادت چنین بود که همراه سینه زنها حرکت می‌کرد و با آنها به سینه زدن مشغول می‌شد. وقتی از دنیا رفت، بنا به مرسوم مذهبی خودشان، بدنش را با آتش سوزانیدند تا تمام بدنش خاکستر شد جز دست راست و قطعه‌ای از سینه‌اش که آتش، آن دو عضو را نسوزانیده بود. بستگان آن دو عضو را آوردند نزد قبرستان شیعیان و گفتند: «این دو عضو راجع به حسین شماس است» [94].



## تأثیر شعر سرودن در عزای حسینی

امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی نیست که برای حسین علیه السلام شعری بسراید و گریه کند یا بگریاند مگر اینکه خداوند بهشت را بر او واجب کرده و گناهانش را می‌آمرزد». سخنی با حسین علیه السلام «حسین! ای پرچم خونین حق بر دوش، حسین! ای انقلابی مردحسین! ای رایت آزادگی در دست، در آن صحرای سرخ و روز آتشگون قیام قامتت در خون نشست، اما پیام نهضت برخاست از آن طوفان «طف» در روز عاشورا، به دشت «نینوا» نای حقیقت از «نوا» افتادولی... مرغ شباهنگ حقیقت، از نوای ناله «حق، حق» نمی‌افتد». سلام بر تو، ای حسین! سلام بر خط شفقتگون کربلا، که خون تو را، ای خون خدا - همواره بر چهره افق می‌پاشد و غروب هنگام، سرخی آسمان مغرب را به شهادت می‌گیرد، تا آن جنایت هولناک را هر چه آشکارتر بنمایاند و چشم تاریخ را بر این صحنه همیشه خونین بدوزد و گوش زمان را از آن فریادها تندر گونه آن عاشورای دوران ساز، پر کند. ای حسین... ای عارف مسلح! کربلای تو، عشق را معنی کرد و انقلاب تو اسلام را زنده ساخت و شهادت تو، حضور همیشگی در همه زمان‌ها و زمین‌ها بود. ای حسین... ای شراره ایمان! ای حسین... ای در سکوت سرخ ستم، شهر آشوب! در بهت خاموشی و ترس، تلخابه فریاد را در حلقوم شب ریختی و با نامردان تبه‌کار، مردانه در آویختی. عاشورای تو، انفجاری از نور و تابشی از حق بود که بر «طور» اندیشه‌ها تجلی کرد و «موسی خواهان» گرفتار در «تپه» ظلمت ظلم را از سرگردانی نجات بخشید. چه می‌گوییم؟... تو تاریخ را به حرکت آوردی و زبان زمان را به سرودن حماسه‌های

زیبای ایثار و جهاد و شهادت گشودی. لحظه لحظه تاریخ را عاشورا ساختی و  
جای جای سرزمین‌ها را کربلا...خفته بودیم و بی خبر... اما تو، این «مصباح  
هدایت» و ای «کشتی نجات» گام خسته ما را به تلاش کشاندی و افسردگی  
یأسمان را به شور امید مبدل ساختی و از سکوت و درنگ و وحشت، به فریاد  
و هجوم و شجاعت‌مان رساندی و پای کوفته و پر آبله ما را، تابام آگاهی و تا  
برج بیداری فرا بردی. «ای حسین»... تو کلاس فشرده تاریخی. کربلای تو، مصاف  
نیست منظومه بزرگ هستی است، طواف است. پایان سخن پایان من است تو  
انتهای نداری...والسلام

- [1] فرائد السمطين، جوینی خراسانی، ج 2 ص 155.
- [2] فرائد السمطين، جوینی خراسانی، ج 2 ص 246.
- [3] حماسهء حسینی، استاد شهید مطهری، ج 3 ص 247.
- [4] بحارالانوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 309.
- [5] بحارالانوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 281.
- [6] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 10 ص 329.
- [7] اثبات الهداة، شیخ حر عاملی، ج 5 ص 215.
- [8] اقتباس از کتاب عدل الهی، استاد شهید مطهری، ص 241 تا 246.
- [9] خصال، شیخ صدوق، ص 624.]
- [10] المحاسن، ابی جعفر برقی، ج 1 ص 293.
- [11] نقل از کتاب «قیام حسینی» آیت الله شهید دستغیب، ص 105.
- [12] بحارالانوار، علامهء مجلسی، ج 43، ص 262.
- [13] منتخب کامل زیارات، ابن قولویه، ص 32.
- [14] سفینة البحار، محدث قمی، ج 1 ص 257.
- [15] سیره امامان، سید محسن امین، ص 188.
- [16] زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، عادل ادیب، ص 149.
- [17] سوره فرقان، آیه 27.
- [18] نقل از کتاب درسی که حسین به انسانها آموخت شهید هاشمی نژاد، ص 445.
- [19] بحارالانوار، علامهء مجلسی، ج 44 ص 381.
- [20] نقل از کتاب «زندگانی حضرت ابی عبدالله الحسین» ابوالقاسم سحاب، ص 22.
- [21] کشف الغمة، علامه اربلی، ج 2 ص 6.
- [22] به نقل از کتاب «درسی که حسین علیه السلام به انسانها آموخت» شهید هاشمی نژاد، ص 450.
- [23] حماسهء حسینی، شهید مطهری، ج 2 ص 130.
- [24] تحف العقول، محدث حرانی، ص 275.

- [25] تاریخ طبری، ج 7 ص 300.
- [26] جامع احادیث الشیعه، ج 12 ص 556.
- [27] ترجمه تاریخ سیاسی اسلام، ج 1 ص 351.
- [28] تاریخ طبری، ج 4 ص 347.
- [29] ترجمه لہوف سید بن طاووس، ص 132.
- [30] نقل از کتاب «درسی کہ حسین علیہ السلام بہ انسانہا آموخت» شہید ہاشمی نژاد، ص 447.
- [31] درسی کہ حسین علیہ السلام بہ انسانہا آموخت، شہید ہاشمی نژاد، ص 448.
- [32] همان مأخذ.
- [33] نہج البلاغہ، صبحی صالح، حکمت 333.
- [34] ترجمہ تاریخ سیاسی اسلام، ج 1 ص 352. بہ نقل از کتاب ماہیت قیام مختار، ص 201.
- [35] بحار الانوار، علامہ مجلسی، ج 45 ص 112.
- [36] حماسہ حسینی، استاد مطہری، ج 3 ص 47.
- [37] سورہ مائدہ، آیہ 39.
- [38] ثواب الاعمال شیخ صدوق، ص 116.
- [39] منتخب کامل الزیارات، ابن قولویہ، ص 281.
- [40] منتخب کامل الزیارات، ابن قولویہ، ص 337.
- [41] همان مأخذ.
- [42] همان مأخذ، ص 289.
- [43] کافی، مرحوم کلینی، ج 4 ص 582.
- [44] منتخب کامل الزیارات، ابن قولویہ، ص 295.
- [45] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 10 ص 322.
- [46] منتخب کامل الزیارات، ابن قولویہ، ص 247.
- [47] امالی شیخ طوسی، ص 55.
- [48] بحار الانوار، علامہ مجلسی، ج 101 ص 16.
- [49] منتخب کامل الزیارات، ابن قولویہ، ص 87.
- [50] سفینۃ البحار، محدث قمی، ج 1 ص 565.
- [51] منتخب کامل الزیارات، ابن قولویہ، ص 306.
- [52] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 10 ص 324.

- [53] منتخب كامل الزيارات، ابن قولويه، ص 328.
- [54] منتخب كامل الزيارات، ابن قولويه، ص 199.
- [55] منتخب كامل الزيارات، ابن قولويه، ص 204.
- [56] منتخب كامل الزيارات، ابن قولويه، ص 346.
- [57] منتخب كامل الزيارات، ابن قولويه، ص 292.
- [58] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملی، ج 10 ص 331.
- [59] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملی، ج 10 ص 230.
- [60] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملی، ج 10 ص 330.
- [61] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملی، ج 10 ص 331.
- [62] بحارالانوار، علامه مجلسی، ج 44 ص 235.
- [63] منتخب كامل الزيارات، ابن قولويه، ص 278.
- [64] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملی، ج 10 ص 324.
- [65] سيرهء امامان (ترجمهء اعيان الشيعه)، علامه سيد محسن امين، ص 220- و زندگانی چهارده معصوم، عمادزاده، ج 2 ص 137.
- [66] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملی، ج 10 ص 323.
- [67] منتخب كامل الزيارات، ابن قولويه، ص 195.
- [68] منتخب كامل الزيارات، ابن قولويه، ص 252.
- [69] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملی، ج 10 ص 549.
- [70] كامل الزيارات، ابن قولويه، ص 248.
- [71] كامل الزيارات، ابن قولويه، ص 123.
- [72] امالی شيخ طوسی، ص 317.
- [73] امالی شيخ طوسی، ص 319.
- [74] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملی، ج 4 ص 1033.
- [75] كافي، مرحوم كليني، ج 4 ص 588.
- [76] كامل الزيارات، ابن قولويه، ص 272.
- [77] مكارم الاخلاق، طبرسی، ج 1 ص 360.
- [78] كافي، مرحوم كليني، ج 1 ص 360.
- [79] تهذيب الاحكام، شيخ طوسی، ج 6 ص 74.

- [80] نقل از کتاب «سید الشهداء» آیت الله شهید دستغیب، ص 166.
- [81] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 4 ص 1033.
- [82] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 4 ص 1033.
- [83] بحارالانوار، علامه مجلسی، ج 44 ص 280.
- [84] نقل از کتاب «درسی که حسین علیه السلام به ما آموخت» شهید هاشمی نژاد، ص 451.
- [85] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 10 ص 393.
- [86] بحارالانوار، علامه مجلسی، ج 44 ص 284.
- [87] منتخب کامل زیارات، ابن قولویه، ص 165.
- [88] جلاء العیون، علامه مجلسی، ص 462.
- [89] بحارالانوار، علامه مجلسی، ج 44 ص 293.
- [90] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 10 ص 397.
- [91] داستانهای شگفت، آیت الله شهید دستغیب، ص 9.
- [92] اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، 89.
- [93] خلاصه ای از مقاله «عاشورا» نوشته جواد محدثی.
- [94] «خط خون» موسوی گرمارودی..

## فهرست مطالب

2	مقدمه
4	چراغ هدایت و کشتی نجات
6	محبت مکنون
8	سیدالشهدا، پدر امامان نه گانه
9	شفاعت
12	دوستاناران حسین و دوستان دوستداران او بهشتی اند
13	ایجاد اخلاق جدید در جامعه مسلمین
14	احساس گناه در بین مسلمین
16	ازدیاد محبوبیت سیدالشهدا و خاندان وحی
18	بقای شریعت اسلام
21	تفسیر و احیای اسلام و امر به معروف و نهی از منکر
24	دمیدن روح استقامت و آزادیخواهی
25	قیام حسینی الگوی قیامهای مقدس دیگر
29	بیداری خفتگان
32	شکست یزید و یزیدیان
34	رهایی از جهالت و ضلالت
36	سخنی پیرامون زیارت سیدالشهدا
38	آرامش بخشیدن به زائر
39	در امان خدا بودن
40	زائر خدا محسوب شدن
41	برآورده شدن حاجات و دفع پریشانی

42	زیادتی در عمر و رزق
42	آمرزش گناهان
43	محسوب نشدن ایام زیارت از عمر زائر
43	حفاظت زائر در دنیا و آخرت
44	عنایت و توجه سیدالشهدا
45	خیر و برکت زیاد
45	برابری زیارت قبر حسین با حج
46	نام زائر در اعلیٰ علیین ثبت می‌شود
46	غرق شدن در رحمت الهی
47	دعای معصومین برای زائر
47	تجلی خدا
48	سعادت
48	تأثیر زیارت در روز عاشورا
49	قرار گرفتن در جوار پیامبر و علی و فاطمه
49	تأثیر زیارت در روز قیامت
50	رهایی از شداید قیامت
50	نجات از آتش جهنم
51	سخنی پیرامون مرقد سیدالشهدا
54	مرقد حسینی، نیروبخش است
55	محل نزول فرشتگان الهی
56	نماز قبول می‌شود
57	تمام خواندن نماز
58	اجابت دعا و برآورده شدن حاجت
59	سخنی پیرامون تربت سیدالشهدا



60	تأثیر تماس اعضای بدن با تربت
61	سجده بر تربت
62	شفا یافتن
65	تأثیر کام برداشتن اطفال با تربت
65	تأثیر تربت حسین، همراه جنازه
67	تسبیح تربت
68	سخنی پیرامون عزاداری و گریه بر سیدالشهدا
71	حفظ رمز نهضت حسینی
73	ازدیاد محبت به امام، و تنفر از دشمنان آن حضرت
74	آشنایی با حقیقت دین و نشر آن
75	آمزش گناهان
76	سکونت در بهشت
77	شفا یافتن
78	گریه کننده بر حسین، در قیامت گریان نیست
79	امان از سكرات موت و آتش دوزخ
81	تأثیر شعر سرودن در عزای حسینی
87	فهرست مطالب